



۴

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)

۵۶

پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی

۸۰

بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران





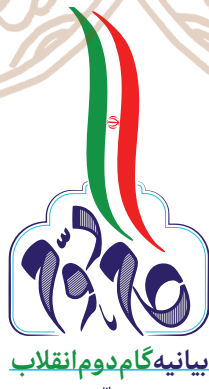
پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم

رجال لاتلهيهم تجاره ولا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوه و ايتاء الزكوه يخافون
يوما تتقلب فيه القلوب والابصار. ليجزيهم الله احسن ما عملوا و يزيدهم
من فضله و الله يرزق من يشاء بغير حساب

در تاریخ پرماجرای انقلاب، هیچ روزی مانند دوازدهم بهمن نبود که
در آن، مردی از دودمان پیامبران و بر شیوهی آنان، با دستی پرمعجزه
و دلی به عمق و وسعت دریا، در میان مردمی شایسته و چشم به راه،
چون آیهی رحمت فرود آمد و آنان را بر بال فرشتگان قدرت حق
نشانید و تا عرش عزت و عظمت برکشید. و هیچ روزی چون چهاردهم
خرداد نبود که در آن، طوفان مصیبت و عزا، بر این مردم تازیانهی
غم و اندوه فرود آورد. ایران يك دل شد و آن دل در حسرتی گدازنده
سوخت، و يك چشم شد و آن چشم در مصیبتی عظیم گریست. در آن
روز، خورشیدی غروب کرد که با طلوع آن، هزار چشمهی نور در زندگی
ملت ایران جوشیده بود؛ روحی عروج کرد که با نفس روح‌اللهی‌اش،
پیکر ملت را جان بخشیده بود؛ حنجره‌یی خاموش شد که نفس
گرمش، سردی و افسردگی از جهان اسلام زدوده بود؛ لبانی بسته شد

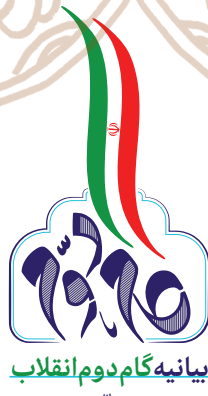
پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



که آیات الهی عزت و کرامت را بر مسلمین فروخوانده و افسون یأس و ذلت را در روح آنان باطل ساخته بود.

آن روز، روز عزای بزرگ عالم اسلام شد. سوزش آن غم، به ملت ایران منحصر نماند. در سراسر جهان، هرجا دل روشن و جان بیداری بود، مصیبت زده شد. هرجا مسلمانی آگاه از انقلاب و مسایل آن بود، خود را صاحب عزا شمرد. پس، در روی زمین جایی نماند که در آن، دلهایی از این حادثه‌ی عظیم، از اندوه لبریز نشود و انسانهایی از این فقدان بی‌جبران، به عزا ننشینند.

و اما ایران، یکسر عزاخانه‌یی شد که در هر شهر و روستایش، شیون حسرتبار از یکایک خانه‌ها سرریز شد و کوی و میدان و خیابان را پر کرد. هیچ‌کس نتوانست این جرعه‌ی درد را خاموش فرو برد؛ از دلاوران میدانهای نبرد، تا مادران و پدرانی که غم شهادت جوانانشان نتوانسته بود گره‌ی عجز و اندوه بر جبینشان بیفکند، تا بزرگمردان عرصه‌ی علم و عرفان و سیاست و تا یکایک آحاد این ملت عظیم القدر، همه و همه در این مصیبت عظمی زار زار گریستند، یا صدا به فغان بلند کردند، یا بی‌صبرانه بر سروسینه زدند. مصیبت فقدان امام، همان به بزرگی امام بود و جز خدا و اولیایش کیست که حد و مرز این عظمت را بشناسد؟ آن‌جا که دلهای بزرگ بی‌تاب می‌شوند، آن‌جا که انسانهای بزرگ دست‌وپا گم می‌کنند، آن‌جا که صحنه، از بی‌قراری میلیون‌ها و میلیون‌ها انسان پر است، کدام زبان

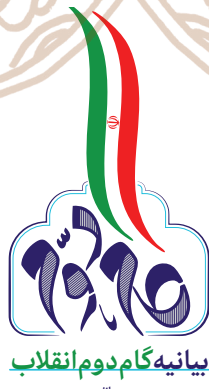


و قلم انسانی است که بتواند نمایشگر و صحنه‌پرداز گردد؟ من که خود قطره‌ی بی‌تابی در اقیانوس متلاطم آن روز - و آن روزها - بوده‌ام، چگونه خواهم توانست آن را شرح کنم؟!

و اما روی دیگر صحنه، یعنی فضای ملکوت جهان در آن روز، تنها برای اصحاب بصیرت و معرفت مشهود بوده است. شاید چشمهای نافذی که حجاب ملك را می‌گشایند و مرغ نگاه را تا ملکوت پرواز می‌دهند، شگفتیهای بیشتر و صحنه‌های تماشاییتری را آن روز در آن عاشورای خمینی دیده باشند: عروج نفس مطمئنهی را به قرارگاه لطف و رحمت خدا، صعود کلمه‌ی طیبه‌ی و نفس راضیه و مرضیه‌ی را به سوی حق، رجوع جویباری را به دریا و وصال عاشقی را به معشوق، استقبال خیل عظیم شهدا را از آن روح مطهر و خیرمقدم ارواح طیبه‌ی اولیا را به آن میهمان تازه وارد، فوز و فلاح جان مزکایی را که بر بال ملایک رحمت نشسته و شمیم حسنات بی‌شمارش، مشام فرشتگان و خزنه‌ی بهشت نعیم حق را معطر ساخته، عمل صالحی را که ردایی از نور گشته و بر پیکر ملکوتی آن روح مجرد پوشانیده شده و باران غفران و فضل خداوندی گشته و بر سراپای آن عبد صالح فرو ریخته و دارالسلام ابدی شده و آن مشتاق رضوان حق را در خود جای داده است.

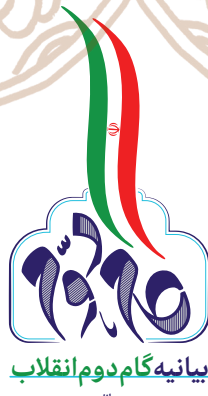
افسوس که برای ما خاکیان، از آن آیینه‌بندان جشن ملکوتی، بارقه‌ی تسلائی نمی‌درخشید و جز اشک دیدگان، نمی‌بر آتش هجران آن

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



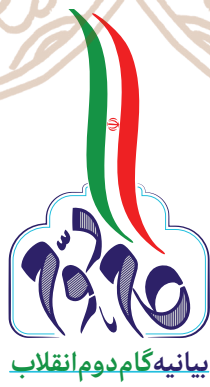
قبله‌ی دلها افشانده نمی‌شد. شور عزا در غم پدر مهربان، معلم دلسوز و مرشد حکیم و دیدبان همیشه بیدار و طبیب درد و درمان‌شناس و سروش رحمت خدا بر امت و یادگار انبیا و اولیا در زمین، اهل زمین را می‌گذاخت و غمی بی‌تسلا بر آنان فرو می‌ریخت. زمان، یگانه‌ی خود را از دست داد و زمین، گوهری یکدانه را در خود گرفت. پرچمدار بزرگ اسلام، پس از عمری مبارک که در راه اعتلای اسلام سپری شده بود، دنیا را وداع کرد و قطب عالم امکان و ولی‌الله‌الاعظم (ارواح‌نافه) در مصیبت خلیفه‌ی خود سوگوار شد.

اکنون، يك سال از آن روزهای مالا مال درد و رنج می‌گذرد. سالی که در آن، یاد و حضور امام، لحظه‌یی ملت ما را ترك نگفته و زنده و برجسته و درخشان در ذهن و زندگی آنان و دیگر مسلمانان و مستضعفان در سراسر جهان برجا مانده است. آنچه پس از حیات پربرکت امام و در این يك سال، برای ما و همه‌ی دلسوزان امت اسلام بیشترین اهمیت را داشته، میراث عظیم و تاریخی و بی‌نظیر او - جمهوری اسلامی و سلامت و توان و شتاب و جهت‌گیری صحیح آن در راه و خط امام - بوده است. این، همان چیزی است که در دوران زندگی آن بزرگوار نیز مسأله‌ی اول برای ملت ایران و دوستان آن در سراسر جهان، بلکه برای هر مسلمانی به حساب می‌آمده که به مجد و عظمت اسلام دل بسته بوده است. و حق نیز همین است.



جمهوری اسلامی که با پیدایش خود، راه نوینی در مقابله با زورگویان طراز اول عالم باز کرد و به ملتهای مستضعف - مخصوصا مسلمانان - امیدی تازه بخشیده و در مدت ده سال واندی رهبری امام راحل عظیم، بارها قلدران زمان را عملا تحقیر کرده و دروغ شکستناپذیری آنان را باطل ساخته است، باید هم بیشترین اهتمام امت اسلام و ملت ستمکشیده‌ی ما را به خود جلب کند؛ همچنان که آن پیشوای صالحان نیز همیشه بیشترین همت خود را به همین دو مسأله می‌گماشت: پاسداری از جمهوری اسلامی و مراقبت از جهت‌گیری راست و درست آن. و آن فقیه عظیم‌القدر و اسلام‌شناس بی‌بدیل، حفظ جمهوری اسلامی را برتر و با اهمیت‌تر از هر واجبی می‌دانست.

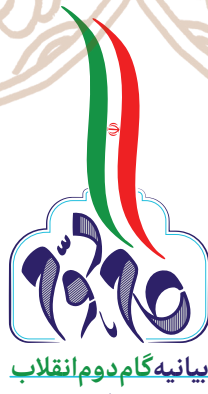
با رحلت امام خمینی(ره)، طیف وسیع دشمنان اسلام که در صفوف مقدم معارضة با جمهوری اسلامی بودند، این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدیدآورنده و پرورانده‌ی خود، نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودک بی‌صاحبی، احساس ضعف و درماندگی کند، یا بکلی از پای درآید و یا به‌ناچار به زیر دامن این و آن پناه گیرد! در محاسبات تنگ‌نظرانه‌ی دشمنان که همه بی‌استثنا اسیر محاسبات صددرد مادی و از فهم روابط معنوی و برکات ایمان و تقوا بی‌نصیبند، نمی‌گنجید که معجزه‌ی الهی در طلیعه‌ی قرن پانزدهم هجری - یعنی حکومت صلاح و دین و حیات دوباره‌ی ارزشهای اسلامی - آن قله‌ی مرتفعی باشد که دست آلوده‌ی



بندگان هوی و هوس به آن نرسد و دیپلماسی زر و زور از به دام افکندن آن عاجز بماند!

اما اراده‌ی الهی این بود، و همان شد که اراده‌ی الهی بود. نظام اسلامی، رشد و کارایی خود را در این مصیبت و ابتلای عظیم الهی نشان داد و ملت عالی‌قدر و مسؤولان دلسوز و اهل حل و عقد، به پاداش صبر بر این مصیبت عظمی، استحقاق درود و رحمت حق را یافتند و به کمک خداوند و توجهات حضرت ولی‌الله اعظم (ارواح‌نفاذ) توانستند با گشودن گره‌هایی که به‌طور طبیعی در صورت ارتحال امام پدید می‌آمد، از امتحانی بزرگ سربلند بیرون آیند. نظام اسلامی که قلب تپنده‌ی خود را از دست داده بود، به برکت ایمان و توکلش و به برکت درسهای جاودانی که مردمش از آن استاد و مرشد خود آموخته بودند، نه فقط از حرکت و حیات و نشاط بازماند، بلکه با نشان دادن کارآزمودگی و حکمت و سرعت عمل، اعتبار خود را مضاعف ساخت.

ابراز وفاداری ملت در آن عزاداری بی‌نظیر که در مقیاس جهان و تاریخ فوق‌العاده بود، حل مسأله‌ی رهبری، اعلام حضور عاشقانه‌ی همه‌جایی و همگانی مردم در دفاع از راه امام و از میراث معنوی امام در برابر رهنزان کمین‌گرفته و رستاخیز شگفت‌انگیز و به‌یادماندنی چهل روزه‌ی ایران و آن‌گاه تصویب ملی اصلاحات قانون اساسی و شرکت در انتخاب رئیس جمهور گزیده و تشکیل دولت و جریان یافتن همه‌ی

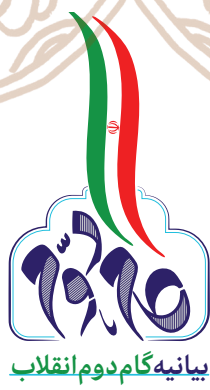


امور کشور در عین تازگی و جاودانگی داغ رحلت امام و یاد ماندگار او، همه و همه اعتباری افزونتر از پیش به ایران و ایرانی و انقلاب و نظام اسلامی بخشید.

درست در آن هنگام که از حادثه‌ی ارتحال امام، نفس دنیا در سینه‌اش حبس شده و خواب از چشم دوست و دشمن در سطح جهان گرفته شده بود، ایران اسلامی نمایشی قهرمانانه داد و با عنایات خداوندی، سنگینترین آزمون خود را به سرافرازی طی کرد و کشتی انقلاب از گردابی خطیر، با آرامش و اطمینان عبور کرد. و این خود آیت دیگری از شمول الطاف الهی بر ملتی شد که قدم در راه خدا نهاده و به نصرت او قیام کرده است. دوستان، یعنی توده‌های مسلمان و مستضعفان بسیاری از مناطق عالم، جانی و امیدی دوباره گرفتند و به پایه‌های نظام سلطه‌ی جهانی، ضربه‌ی دوباره - پس از ضربه‌ی آغاز پیروزی انقلاب - وارد آمد. یعنی حادثه‌ی که می‌پنداشتند انقلاب را درهم خواهد پیچید، به انقلاب اوج و حیات بخشید و امام ما - آن برافروزنده‌ی مشعل انقلاب - با رحلت خود، یک بار دیگر شعله‌ی انقلاب را برافروخته کرد. «فرحمه‌الله حیا و میتا والسلام علیه یوم ولد و یوم قادالامه و یوم ارتحل و یوم یبعث حیا».

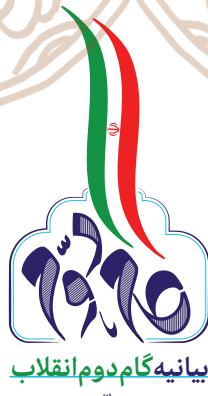
در همه‌ی این حوادث، و با نگاهی وسیعتر در سرگذشت یازده‌ساله‌ی نظام اسلامی و اساسا در پیدایش این نظام و مقدمات آن و مبارزاتی که به آن منتهی شد، صحنه‌پرداز اصلی و عامل حقیقی، همانا اسلام

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



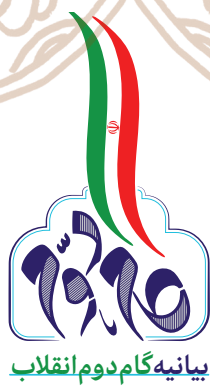
و عقیده و ایمان و تربیت اسلامی است. هم ملت ایران که با قیام شجاعانه‌اش در برابر نظام سلطه‌ی جهانی و برضد ابرقدرتهای شرق و غرب، کاری عظیم و بی‌سابقه انجام داد؛ هم رهبر و قائد عظیم‌الشأن این انقلاب که مثل کوه در برابر همه‌ی بادهای مخالف ایستاد و هجوم طوفانها را شکست، اما خود کمترین تکانی نخورد؛ هم نظام نوین اسلامی که توانست کشور را بدون اندک تکیه‌یی به بیگانگان اداره کند و جنگی را که محل تلاقی نیروهای شرق و غرب بر ضد او بود و نزدیک به سه‌چهارم سالیان پس از پیروزی را فرا گرفت، بدون گرایش به هیچ طرف و فقط با تکیه بر خود، شرافتمندانه و با عزت و پیروزی به پایان برد، همه و همه توان خود را از اسلام گرفته‌اند و اسلام جوهر اصلی این حوادث شگفت‌آور و مایه‌ی حقیقی قدرت و صلابت و عزتی است که ایران و ایرانی و ملت و رهبر و انقلاب و نظام ما، در تاریخ معاصر از خود بروز داده‌اند.

اسلام، دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظامهای بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرتهای شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او بکارگیری آنها را همچون فریضه‌یی تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام



و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی - که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است - دوختن و عوض ناکامیهای شخصی و میان راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ‌کدام از وعده‌های الهی درباره‌ی مسلمانان عملی نخواهد شد.

در دوران سلطه‌ی استکبار، غفلت از توحید ناب اسلامی و مفهوم زندگی شمول آن بود که صحنه را برای بتهای استعمار باز گذارد و به خداوندان زر و زور، فرصت تاخت و تاز داد. دشمنان با نقشه‌های از پیش آماده شده، دین را در کشورهای اسلامی از صحنه‌ی زندگی راندند و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقق بخشیدند. نتیجه این شد که پیشرفت علمی غرب بتواند این کشورها را یکباره به صورت تابعی از کشورهای صنعتی درآورد و سرنوشت سیاسی و



اقتصادی آن را برای مدتهای طولانی و جبران ناپذیر، به دست غارتگران غربی بدهد.

امروزه غالب کشورهای اسلامی، پس از دهسال که جیب کمپانیها و دولتهای غربی از منابع آنها پرشده، هنوز در وادی عقبماندگی سرگردانند و هنوز محتاج صنعت و علم و کالای غربی و هنوز در عالم سیاست، طفیلی و پیرو ناگزیر آنان. این، همان خسران عظیمی است که از روز اول بر اثر عدم توجه به اصل بنیادین اسلام - یعنی توحید اسلامی - پیش آمده و هرچه زمان پیشتر رفته و علم کاملتر شده و دولتها و کشورهایی را مجهزتر کرده، کشورهای اسلامی ناتوانتر، وابستهتر، کمجراتر و بی ابتکارتر شدهاند.

راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب - که در آن، توحید و نفی عبودیت غیر خدا، از هر چیز برجستهتر و درخشندهتر است - برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند. و این چیزی است که طراحان توطئه‌های ضد اسلامی، همیشه از آن بیمناک بوده و در راه پیدایش آن، موانع جدی می‌نهاده‌اند. هنگامی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، از آنجا که پیش‌بینی می‌شد که جاذبه و محبوبیت انقلاب، ملتهای مسلمان و حتی بعضی غیرمسلمانها را شیفته‌ی اسلام کند، همه‌ی دستهای استعماری به کار افتاد، تا از نفوذ معنوی اسلام جلوگیری کند. تلاش وسیع و همه‌جانبه‌ی استکبار در برابر نفوذ اسلام، هیچ موجبی جز این ندارد که گسترش اسلام و

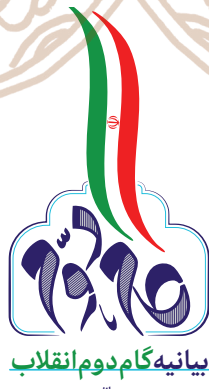


مفاهیم اسلامی در هر نقطه‌ی جهان، به معنای جمع شدن بساط استکبار و ایادی آن در آن نقطه است.

همان‌طور که همه می‌دانند، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب - که معنای درست توحید و نفی عبودیت غیرخدا و عزت در برابر هرکس و هرچیز غیرخدا را در عمل و واقعیت به همه نشان داد - مسلمانان در نقاط بسیاری از جهان، احساس شخصیت و عزت نموده، در مقابل قدرتمندان و زورگویان ایستادند و سرفصل جدیدی در مبارزات ملل مسلمان به وجود آمد؛ از جمله حرکت عظیم مردم مسلمان در افغانستان و شروع مبارزات مردمی در سرزمین فلسطین و ایستادن مردم مسلمان و مبارز فلسطین در برابر احزاب معامله‌گر و شروع نهضت‌های اسلامی زیادی در کشورهای مسلمان آفریقایی و آسیایی و حتی در اروپا که همه براساس جاذبه‌ی اسلام و شوق به تحقق احکام الهی به وجود آمده و اسلام را رهاییبخش و عزتبخش خود می‌دانند.

تا پیش از پیدایش جمهوری اسلامی، به توده‌های عظیم مسلمان عالم تفهیم شده بود که اسلام قادر نیست برای آنان عزت و عظمت بیافریند و آنان در جستجوی سعادت باید یا به دنبال الگوی غربی و فرهنگ اروپا و امریکا بروند و یا به سمت تئوریهای خیالی و پوچ مارکسیسم گرایش یابند؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و عزت و عظمتی که تحقق اسلام به

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



ملت ایران بخشید، همه‌ی بافته‌های دیرینه‌ی استعمارگران غربی را باطل کرد و در عمل نشان داد که اسلام می‌تواند ملتی را از ضعف و بی‌حالی و انظلام نجات بدهد و به اوج عزت و شجاعت و اعتماد به نفس برساند و هم می‌تواند نظامی استوار و قادر بر زورآزمایی با قدرتهای مادی جهان بر آنان بیخشد و دست قدرتهای ظالمانه و تحقیرکننده‌ی استعمار و استکبار را از سر آنان کوتاه کند. و چنین بود که جمهوری اسلامی به برکت اسلام، از پشتوانه‌ی مردمی نیرومندی در مقیاس جهانی برخوردار گشت و این به نوبه‌ی خود، بر توانایی و آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی - که همه‌ی سلطه‌های بزرگ جهانی، با آن سرناسازگاری دارند - افزوده است.

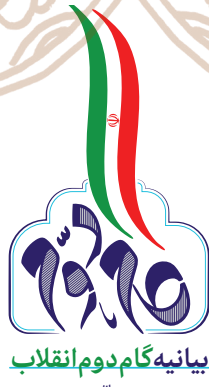
آثار پیروزی ملت ایران در زورآزمایی قدرتهای جهانی با آن، به جهان اسلام منحصر نماند؛ بلکه در کشورهای غیرمسلمان و در نظامهایی که قفس آهنین استبداد حزبی یا ستم قومی اجازه نداده بود که مسلمانان آن کشورها حتی مسلمانی خود را احساس کنند، نسیم هویت اسلامی وزیدن گرفت و ایمانهای خفته به جوش آمد و گلبانگ مسلمانی، خواب اهریمنان را برآشفست: «وتری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت و انبتت من کل زوج بهیج». پس، در ماجرای عظیم این ده‌سال گذشته، قهرمان اصلی اسلام است. و این رستاخیزی اسلامی است که جانهای مرده را بیدار کرده و زمینه را برای روزی آماده می‌سازد که در پاسخ به سؤال «لمن



الملك»، در بسیط زمین از چهارگوشه‌ی عالم گفته شود: «الله الواحد القهار».

امروزه گرچه مغزهای علیل تحلیل‌گران مادی، هنوز عاجز از فهم و تحلیل حوادث اسلامی در ده سال اخیر است و آنان بدرستی نمی‌توانند بفهمند، که چه شد که پس از تلاش دویست‌ساله‌ی استعمار در کشورهای اسلامی و پس از هزاران شیوه‌ی موفق برای راندن اسلام از صحنه‌ی زندگی و حتی از صفحه‌ی ذهن و دل مردم در این کشورها و مهمتر از آن، پس از قرن‌ها بدآموزی قدرتهای استبدادی و ایادی آنان و پس از تحریف‌های بی‌شماری که به وسیله‌ی وعاظ السلاطین و آخوندهای درباری در دین پدید آمده و صفا و خلوص آن را مخدوش ساخته و به دارویی بی‌اثر و جسمی بی‌جان بدل کرده بود، امروز دوباره اسلام در قلب میهن اسلامی پروبال گشوده و سایه‌ی رحمت خود را بر سرتاسر جهان اسلام گسترده و چون خورشیدی روشن‌گر در دل همه‌ی مسلمین تافته و به آنان روح و نشاط و امید بخشیده است؟ و چگونه اسلام که بتدریج به دست فراموشی سپرده می‌شد و هرگز هیچ امیدی را در دل جستجوگر انسانهای دردمند و بی‌تاب بر نمی‌انگیخت، اکنون به یگانه امید روشن ملت‌های مسلمان، مخصوصاً جوانان و بیداردلان و دردمندان تبدیل یافته است؟ آری، فهم و تحلیل درست این حوادث شگفت‌آور، اگرچه برای مغزها و ذهن‌های بیگانه از حقیقت اسلام و بی‌خبر از سرگذشت واقعی اسلام

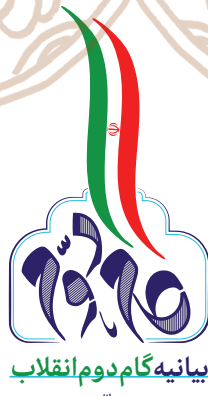
پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



ناممکن است، لیکن برای صاحبان بصیرت، پاسخ در يك كلمه است: معجزه‌ی انقلاب.

نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه)، به پیروی از شیوه‌ی نبی اعظم و رسول خاتم و قله‌ی آفرینش عالم و آدم، حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلم)، در قالب يك انقلاب تمام‌عیار ظاهر شد و این طبیعت انقلاب است که اگر بر پایه‌ی درست و منطقی استوار باشد، همچون آتشفشان، زلزله در تمام ارکان محیط پدید می‌آورد و همه چیز و همه‌جا و همه‌کس را از گرمی و اشتعال خود متأثر می‌سازد.

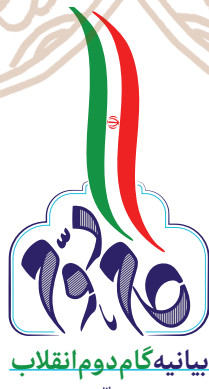
مصلحان اسلامی و متفکرانی که در یکصد و پنجاه سال گذشته، تحت تأثیر عوامل گوناگون قیام کرده و پرچم دعوت اسلامی و احیا و تفکر اسلامی را بردوش گرفتند - از قبیل سید جمال‌الدین و محمد اقبال و دیگران - با همه‌ی خدمات ارجمند و گرانبهایشان، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به‌جای برپا کردن يك انقلاب اسلامی، به يك دعوت اسلامی اکتفا کردند و اصلاح جوامع مسلمان را نه با قوت و قدرت انقلاب، که با تلاش روشنفکرانه و فقط با ابزار قلم و زبان جستجو کردند. این شیوه، البته ممدوح و مأجور بوده و هست؛ اما هرگز از آن، توقع نتایجی همچون نتیجه‌ی عمل پیامبران اولوالعزم را - که سازندگان مقاطع اصلی تاریخ بوده‌اند - نباید داشت. کار



آنان، در صورت صحت و مبرا ماندن از عیوب سیاسی و نفسانی، تنها می‌توانست زمینه‌ساز یک حرکت انقلابی باشد و نه بیشتر. ولذا مشاهده می‌شود که سعی و تلاش بی‌حد و حصر مخلصان این گروه، هرگز نتوانسته حرکت معکوس و روبه انحطاط ملل مسلمان را متوقف کند، یا عزت و عظمتی را که آنان از آن نام می‌آورده و در آرزویش آه و اشک می‌افشانده‌اند، به مسلمانان برگرداند و یا حتی اعتقاد و باور اسلامی را در توده‌های مردم مسلمان تقویت کرده و نیروی آنان را در خدمت آن به کار گیرد و یا دامنه‌ی جغرافیایی اسلام را گسترش دهد. و این، بکلی از روش پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) جدا است و این بر هر کس که اندکی تاریخ بعثت و هجرت رسول معظم (ص) را بداند، آشکار است.

امام ما برای حیات دوباره‌ی اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سنگ‌به‌سنگ‌پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت درمی‌آید و تا رسیدن به هدف - یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت - ادامه می‌یابد: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



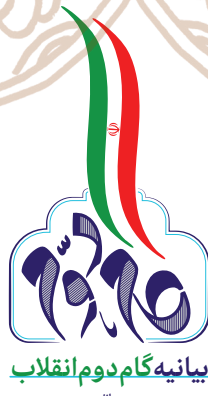
دين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون».

در انقلاب اسلامی ایران، چند خصوصیت مهم وجود داشت که همه منطبق بر حرکت اسلامی صدر اول بود:

نخست، هدفگیری سیاسی؛ یعنی اراده‌ی قاطع بر حاکمیت دین خدا و این‌که قدرت از دست شیطانهای ظالم و فاسد گرفته شود و حاکمیت و قدرت سیاسی جامعه بر اساس ارزشهای اسلامی شکل گیرد.

دوم آن‌که برای تحقق این هدف، از توده‌های مؤمن و آگاه و دردمند و فداکار - و نه از احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی - نیروی انسانی لازم گرفته شد و رهبر حکیم، نصرت را پس از توکل به خدا، از نیروی لایزال مردم جستجو کرد و در سایه‌ی مجاهدت پانزده ساله، جنود رحمان را از بندگان خدا به وجود آورد و در راه خدا به حرکت درآورد: «هوالذی ایدک بنصره وبالمؤمنین».

سوم آن‌که خطوط اصلی جامعه‌ی مطلوب، یعنی استقرار شریعت اسلامی که متضمن عدل اجتماعی و استقلال سیاسی و استغنای اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی است، در منظر همگان قرار گرفت و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» که به معنای تبدیل واقعی و همه‌جانبه‌ی بنیانهای زندگی جاهلی به بنیانهای اسلامی است، مطرح گردید.

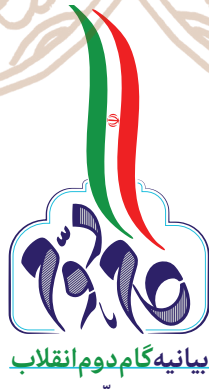


چهارم آن که رهبر حکیم و فقیه که عبد صالح و الگوی مسلمانی بود، خود پیشاهنگ این حرکت در ایمان و عمل شد و این ایمان، جان او را چنان لبریز کرده بود که توانست دلهای بی ایمان و ظرفهای تهی را از فیضان ایمان خود در صحنه‌ی عمل، لبریز و سیراب کند و فروغ ایمان و امید او، دیوارهای قطور یأس و بی ایمانی را بشکافد و فضای مبارزه و عمل را پرکند: «امن الرسول بما انزل الیه من ربه».

پنجم آن که صدق و صفا و هوشیاری رهبر، هرگونه کجروی و سازش و معامله با دشمن را و خلاصه هر آن چیزی را که موجب انحراف از هدف شود، ناممکن ساخت و صراط مستقیم انقلاب به سمت هدفها، استوار و بی اعوجاج باقی ماند.

این، آن چیزی بود که در ایران اتفاق افتاد و رهبری که با تقوا و صدق عمل، توانسته بود تأیید و هدایت الهی را جلب کند، حرکت خود را شروع کرد و در ظرف پانزده سال مجاهدت و تلاش مستمر، توانست توده‌های عظیم مردم را بتدریج در خدمت هدف - که همان حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و اجرای احکام اسلامی بود - به حرکت درآورد و حکومت طاغوتی و فاسد و وابسته‌ی حاکم بر ایران را که از سوی قدرتهای استکباری و غارتگر ثروتهای کشور ما حمایت هم می‌شد، ساقط کرد و در ظرف یازده سال پس از پیروزی، با مجموعه‌ی پیچیده و بی نظیری از توطئه و خصومت و خیانت و تهاجم و تحریم و حمله‌ی نظامی و غوغای تبلیغاتی و غیره

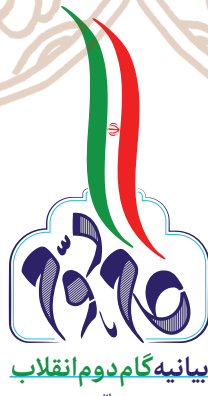
پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



دست‌وپنجه نرم کرد و از این مصاف تاریخی، مظفر و منصور بیرون آمد و اکنون نظام جمهوری اسلامی که محصول تلاش عظیم امام و امت است، در اوج اقتداری که ناشی از مقاومت و سرسختی در برابر زورگویان و استغنا از غارتگران است، چشم دوست و دشمن را به خود جلب و دلهای مستضعفان و زجردیدگان همه‌ی مناطق عالم را مجذوب کرده است.

آری، راز بزرگ در اعتلای امروزین اسلام و بیداری عمومی مسلمین، این بود که در کانون این حرکت - یعنی ایران اسلامی - مولود مبارک انقلاب باردیگر از شجره‌ی طیبه‌ی اسلام به وجود آمد و محصول آن - یعنی جمهوری اسلامی - با بنیه‌ی مستحکمی که از ایمان اسلامی رهبر و ملت یافته بود، در راه و جهت درست پایدار ماند و وسوسه‌ی شیطانها و تیغ خشم و کین آنان بر او کارگر نشد و با مظلومیتی قدرتمندانه و سرافراز، چهره‌ی منور خود را در برابر چشم جهانیان قرارداد و با وجود و بقا و استقامت و صلابت خود، مبلغ اسلام شد.

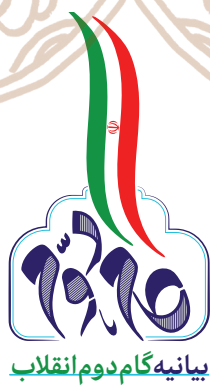
طبیعت اسلام ناب، طبیعتی پرجاذبه است و دلهایی را که آلوده‌ی غرض‌ورزی و کینه‌توزی نباشد، به خود جلب می‌کند و این همان است که انقلاب ما و امام ما، دوباره در جهان مطرح کردند و بر دلها و چشمهای نیازمند و جستجوگر عرضه داشتند. در مدرسه‌ی انقلاب که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام



مراسم و مناسک میان تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرتها و آفت جان ملتها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی (صلی الله علیه و اله و سلم)، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعونها و قارونها و خلاصه، اسلام کوبندهی جباران و برپاکندهی حکومت مستضعفان، سربرکشیده است.

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی بندوباری و بی تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی خاصیت؛ اسلام نجاتبخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچهی دست قدرتها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و اله و سلم)، جایگزین اسلام امریکایی گردید. و مطرح شدن اسلام بدین صورت و با این واقعیت و جدیت است که موجب خشم سراسیمه و دیوانه‌وار کسانی شده است که دل به زوال اسلام در ایران و در همه‌ی کشورهای اسلامی بسته بودند و یا از اسلام، فقط نامی بی محتوا و وسیله‌ی برای تحمیق و اغفال مردم را می‌پسندیدند. ولذا از روز اول پیروزی

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

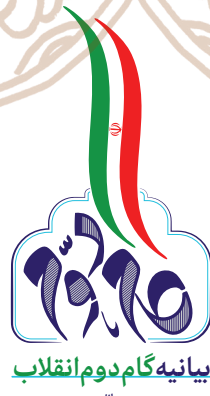


انقلاب تا امروز، هیچ فرصتی را برای تهاجم و ضربه زدن و توطئه و بدخواهی نسبت به جمهوری اسلامی و کانون حرکت جهانی اسلام - یعنی ایران - از دست نداده‌اند.

ملت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب (رضوان الله علیه) بر آن تأکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به‌کاربردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پایبندی رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.

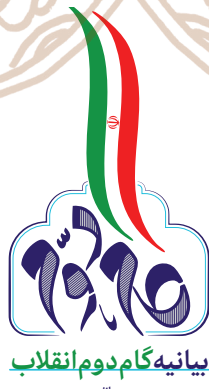
چه‌قدر ساده‌لوح و سطحیند کسانی که گمان می‌کنند دشمنی امریکا و جبهه‌ی استکبار و دارودسته‌ی وسیع صهیونیستی که اکثر خبرگزاریها و رسانه‌های خبری و تبلیغی جهان را در اختیار دارند، ناشی از آن است که جمهوری اسلامی، بموقع تلاش لازم را برای کسب دوستان انجام نداده و یا در مسایل جهانی دچار تندروی شده است. این گمان، حاکی از عدم تعمق در حوادث و جریانات داخلی و جهانی و عدم بصیرت در دشمن‌شناسی است.

ابرقدرتها که دشمنان سوگندخورده‌ی انقلاب اسلامیند، هرگز علت



دشمنی خود با جمهوری اسلامی را به صراحت بیان نکرده‌اند و نخواهند کرد. اگر امریکا اعتراف کند که انگیزه‌ی دشمنی او با ایران، دشمنی با اسلام است، یک میلیارد مسلمان جهان را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که انگیزه‌ی او از این دشمنی آن است که ایران اسلامی خواسته است مستقل و آزاد و به دور از دخالت امریکا زندگی کند، همه‌ی آزادگان و آزادیخواهان عالم را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که دلیل خصومت خباثت‌آمیزش با ایران و مسدود کردن اموال ایران و توطئه‌ی دایمیش نسبت به جمهوری اسلامی آن است که انقلاب ایران، دست او را از منابع غنی این کشور قطع کرده و جلو ادامه‌ی غارت اقتصادی ملت را که از سوی رژیم خائن پهلوی، سخاوتمندانه به امریکایی‌ها واگذار شده بود، گرفته است، همه‌ی ملتهای مظلوم جهان و ستمدیدگان غارت‌های استعماری، در کنار ملت ایران قرار گرفته و به مبارزه‌ی با امریکا خواهند پیوست.

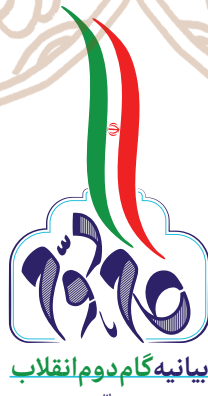
بنابراین، بسیار طبیعی و بدیهی است که امریکا و دیگر دولت‌های جبهه‌ی استکبار و همه‌ی دارودسته‌ی خبری و تبلیغی و رسانه‌های دست‌نشانده‌ی آنان ناگزیر باشند که تمام هم خود را به تحریف حقایق ایران و انحراف افکار عمومی جهان مصروف بکنند، و گاه به نام حقوق بشر و گاه با تهمت نقض آزادی و گاه به دشنام ارتجاع و واپسگرایی و امثال آن، ملت شجاع و آگاه و آزاده‌ی ایران و نظام مترقی



و انقلابی جمهوری اسلامی و مسؤولان صالح و لایق آن را مورد اتهام قرار دهند و نفرت عمومی ملت ایران از سلطه‌گران مستکبر و خبیث، مخصوصا شیطان بزرگ را بدین‌گونه تلافی کنند.

اگرچه تجربه‌ی یازده ساله‌ی جمهوری اسلامی ثابت کرده است که استکبار و ارتجاع و ایادی آنان، در این ترفند نیز موفقیتی کسب نکرده و نتوانسته‌اند نام نیک و چهره‌ی روشن ملت بزرگوار ما را با این‌گونه تلاشها در جهان و بخصوص در میان توده‌های مستضعف عالم مخدوش سازند و سرمایه‌گذاری گزاف آنان در استخدام قلمها و زبانهای مزدور و به‌کارافکندن صدها رسانه‌ی صوتی و تصویری و مطبوعاتی برای منزوی یا منفعل یا بد نام کردن انقلاب اسلامی، دچار خسران شده است و هم‌اکنون علی‌رغم خواست آنان در بسیاری از مناطق عالم، ملتها با الگو ساختن حرکت نجاتبخش ملت ایران، به مبارزات مردمی با سلطه‌های شیطانی روی آورده و خواب از چشم ستمگران ربوده‌اند و قشرهای بیدار مسلمان در همه‌جا بخوبی تشخیص داده‌اند که علت دشمنی رأس استکبار - یعنی امریکا - و ایادی آن با ملت ایران، دشمنی آنان با اسلام است: «و ما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحمید».

ولی ملت ایران باید بدانند که حفظ انقلاب و برپانگاهداشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه پرافتخاری که مجاهدات این ملت شریف در برابر ملتهای جهان، مخصوصا مسلمانان گشود و به عنوان تنها راه غلبه

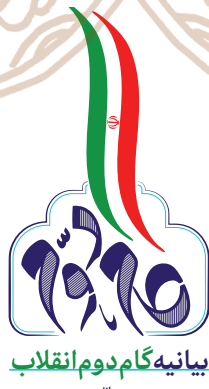


بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد، و تنها باطل السحر توطئه‌های دشمنان بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزشهای انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار ضدیت با سلطه‌ی جهانی استکبار را عالمگیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس نیز ملت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فایق خواهد ساخت. و این همان وصیت جاودانی است که امام راحل عظیم‌القدر (اعلی‌الله کلمته) در بیانیه‌ها و اخیراً در وصیتنامه‌ی خود، همه‌ی ما را بدان توصیه فرموده است.

اکنون، يك سال پس از رحلت آن پدر دلسوز و مرشد و معلم آگاه و حکیم، این جانب لازم می‌دانم اساسیترین معارف انقلاب را که همه در شمار بینات مکتب انقلاب و برخاسته از اصول و احکام اسلام است، يك بار دیگر به برادران و خواهران خود تذکر داده، همه‌ی ملت انقلابی و شجاعان را به توجه و اهتمام روزافزون نسبت به آنها دعوت کنم:

۱) پیش از هر چیز، زنده داشتن یاد و راه و درس جاودانه‌ی امام خمینی (اعلی‌الله کلمته) است، که مشعل راه و ترسیم‌کننده‌ی خط اساسی حرکت و تعیین‌کننده‌ی شاخصهای اصلی و حیاتی این جاده‌ی مبارک و فرجام تابناک آن است. حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و تبلور انقلاب اسلامی

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



بوده و او خود و سخنش و انگشت اشاره‌اش، خضر راه این حرکت الهی و روشنگر نقاط مبهم و برطرف‌کننده‌ی همه‌ی تردیدها بوده و همچنان خواهد بود. ملت ایران و از همه بیشتر مسؤولان کشور، باید این درس بزرگ را هرگز از یاد نبرند.

۲) این نهضت مردمی و انقلاب بی‌نظیری که در منتهای مبارزات پانزده‌ساله‌ی آن پدید آمد و حماسه‌ی عظیمی که در عمر یازده ساله‌ی این نظام به ظهور رسید و شهادت نفوس طیبه و تحمل آن همه دشواریها و شکنجه‌ها و مصیبت‌ها از سوی ملت مؤمن و مبارز ما، همه و همه به خاطر اسلام بود. این ملت بزرگ و امام بزرگوارش، سعادت را در پیروی حقیقی از اسلام دانستند و حاکمیت اسلام را وسیله‌ی نجات از سلطه‌ی شیطانها و طاغوتها و ستمگران دیدند و رضای خدا را در پیگیری از حاکمیت اسلام جستجو کردند. ملتهای مسلمان و مخلصان دلسوز در سراسر جهان اسلام نیز به خاطر اسلام بوده و هست که این انقلاب و این نظام را متعلق به خود دانسته و از آن حمایت و دفاع کردند و می‌کنند. از این‌رو، جمهوری اسلامی بزرگترین وظیفه‌اش آن است که اسلام را در زندگی مردم تحقق بخشد و جامعه را به صورت یک جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی درآورد.

برای عملی شدن این هدف - که گامهای اساسی و بلند آن، از آغاز پیروزی به وسیله‌ی همه‌ی دست‌اندرکاران و با اشراف و اهتمام شدید امام (رضوان الله علیه) برداشته شده - باید قوای سه‌گانه‌ی

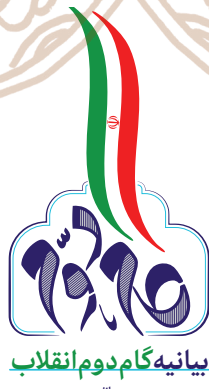


کشور هماهنگ و پیگیر عمل کنند و حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی و پژوهشی اسلامی، به تلاش وسیع دست زنند و سرچشمه‌ی پایان‌ناپذیر تفقه و اجتهاد آگاهانه و بصیر را در خدمت عمق و گسترش معارف اسلامی به کار گیرند و دستگاه فکری و عملی نظام جمهوری اسلامی، با هم و در کنار هم، جامعه را در راه اسلامی شدن روزافزون و به سمت هدف‌های اسلامی پیش ببرند.

تمامی آحاد ملت مسلمان، در حفظ و حراست از احکام نورانی آن و سعی در گسترش و تعمیق آن در جامعه، دارای وظیفه‌ی بزرگند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه‌ی فرایض اسلامی است، باید در جامعه‌ی ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسؤول احساس کند.

ما هنوز تا يك جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسؤولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاه‌های معنویت و تزکیه و هدایت، روزبه‌روز گرم‌تر و پررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاه‌ها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی

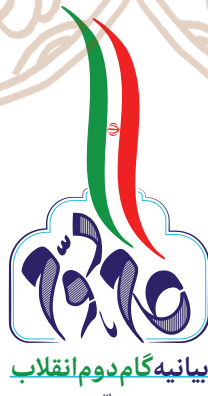
پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسؤولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.

۳) فوریت‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه‌ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا، و محرومین، در سرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است. و از همین جاست که ادعای سلاطین و حکامی که با وجود داعیه‌ی مسلمانی و شعار پیروی از قرآن، راه دیگر جباران را پیموده و فاصله‌ی فقیر و غنی را بیشتر کرده و خود در صف اغنیا قرار گرفته و از درد فقرا و پابرهنگان غافل مانده‌اند، چه در تاریخ و چه در زمان حاضر، همواره از سوی هوشمندان آشنا به معارف قرآن و اسلام، مردود دانسته شده است.

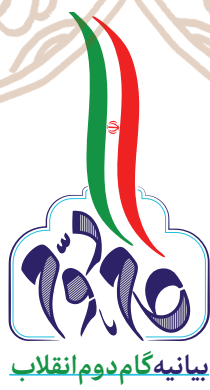
در نظام اسلامی باید همه‌ی افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده



از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ‌کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند. طبقات محروم و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه‌ی بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب شود. هیچ‌کس به خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت و نفوذ کند و هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیا نینجامد. پابرهنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خود بیابند.

امام بزرگوار ما، این را یکی از اساسی‌ترین مسایل جمهوری اسلامی دانسته و قویترین بیانات را در این‌باره ایراد نموده‌اند و این، خصوصیت غیرقابل تفکیک جمهوری اسلامی است. هیچ حایلی نباید بتواند مسؤولین نظام و مدیران بخش‌های مختلف آن را از این هدف اساسی غافل کند. پابرهنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما که بر اثر سیاست‌های خائنانه و خانه‌برانداز رژیم ستمشاهی، در فقر و محرومیت بسر می‌برند، همواره صادقترین و با اخلاص‌ترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفع محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده‌ی خود قرار

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



دهد.

۴) وحدت کلمه، رمز پیروزی ملت ایران در مراحل مختلف بوده و امروزه نیز مهمترین وسیله‌ی ملت ما برای مقابله با تحریکها و توطئه‌هاست. باتوجه به سرگذشت دوران دهساله و تأمل در حوادث آن، که حاکی از آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی در برابر انواع توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی است، اهمیت وحدت و یکپارچگی ملت و مسؤولان بیشتر آشکار می‌شود.

ملت ایران و مدیران و گردانندگان کشور، باید بر گرد اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی مجتمع گشته و همه‌ی توان و نیروی خود را برای تحقق و حراست از آن متمرکز کنند و هیچ خواسته و شعار و هیچ انگیزه‌ی فردی و گروهی و قومی و فرقه‌یی نتواند فرد و یا جمعی را از تلاش برای آن اصول و رسیدن به هدفهای نظام جمهوری اسلامی باز دارد.

همه‌ی ملت رشید ایران، مخصوصاً آنان که سخن و عملشان در معرض قضاوت و توجه دیگران است، باید صفوف خود را متحد و مرصوص ساخته، با وحدت و همکاری و با گامهای استوار، به سوی اهداف عالی‌هی اسلام، قدرتمندانه حرکت کنند و دشمنان کمین‌گرفته را که مترصد فرصتند، مأیوس سازند.

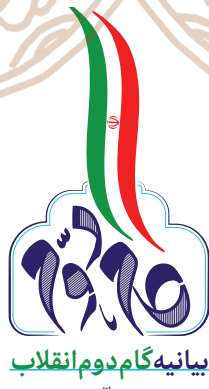
رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاستها و نیات خصمانه



و اغراض خبیث سردمداران سیاستهای جهانیند، برروی هر کلمه و هر اشاره‌یی که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن استنباطهای دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به‌طور دایم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوش و آلوده به اختلافات و زدوخوردها از ایران اسلامی - که بحمدالله برخوردار از وحدت و یکپارچگی کم نظیری است - به مردم ایران و جهان ارایه دهند و زمینه‌ی دودستگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. اینها همه نشانه‌ی آن است که امروزه دشمن از همه‌ی راهها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.

ملت رشید ایران و مسؤولان و متصدیان امور کشور و نمایندگان محترم مجلس، گویندگان و نویسندگان، باید مانند همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب را بدهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله‌ی حق بر ملت ایران است، با همه‌ی وجود پاسداری کنند .

۵) حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملت ایران در مناسبات بین‌المللی، یکی دیگر از نقاط اصلی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر به‌وجود

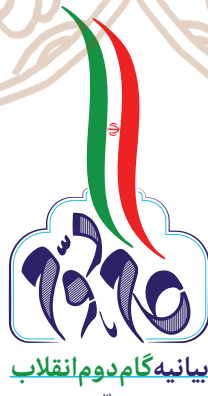


آورد:

اول این که هیمنه‌ی دو ابرقدرت آن روز دنیا را در رابطه‌شان با دولتهای ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به‌مرور در چشم ملتها و دولتها به دست آورده بودند، بشدت تضعیف کرد.

دوم آن که به ملتها دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولتهای دست‌نشانده را به آنان تزریق کرد. گرچه این تأثیرات عمیق، بتدریج در جهان ظاهر شد و امروز پس از یازده سال، چهره‌ی سیاسی عالم را دگرگون کرده است، اما همه‌ی چشمهای تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملتها در برابر زورگویی ابرقدرتها و شکستن بتهای قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سربرآوردن ارزشهای معنوی و الهی.

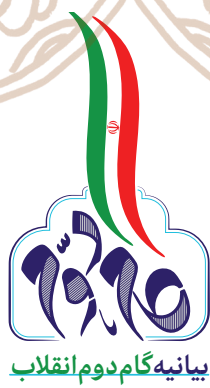
امروز که با دفن مارکسیسم و تلاشی بلوک شرق و قیامهای مردمی برضد حکومتهای استبدادی کمونیست، پیش‌بینیهای امام بزرگوار تحقق یافت و یکی از دو ابرقدرت از صحنه‌ی سیاست عالم حذف و به قدرت درجه‌ی دوم تبدیل گردیده و ابرقدرت دیگر هم از سویی با اوجگیری مقاومت‌های مردمی در بسیاری از نقاط عالم، از جنوب و شمال آفریقا و فلسطین اشغالی تا اقاصا نقاط شرق آسیا و از سوی دیگر،



با گسترش روزافزون فساد و بی‌ایمانی و بی‌بندوباری، خلا معنویت و تفکر مکتبی در داخل جامعه‌ی امریکایی و گسسته شدن رشته‌ی «مبارزه با کمونیسم» که همواره سردمداران امریکا می‌خواستند با آن، خلا یک عقیده‌ی وحدتبخش را در میان ملت خود پر کنند و نیز از سوی دیگر، برهم‌ریختن محاسباتی که بر روابط اروپا و امریکا حاکم بود، موجب نفوذ دولت امریکا حتی بر کشورهای اروپایی می‌شد، بشدت احساس خطر می‌کند و موقعیت خود را در جهان متزلزل می‌بیند.

برای حفظ این روند روبه اشتعال و تقویت روحیه‌ی ملتهای اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچکترین تغییری در چهره‌ی باصلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند؛ با قلدران، از موضع قدرت و با دولتهای ضعیف، از موضع حمایت و با ملتهای بپاخاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ دولت امریکا را به مثابه‌ی رأس فتنه و استکبار و رمز غداری و شیطنت و به خاطر ستمش به کشورهای ضعیف و حمایتش از صهیونیسم غاصب و دشمنیش با بیداری و آزادی ملتها و خصومت عمیق و جنایتبارش با ملت ایران، محکوم و منفور و مطرود دانسته، هیچ فرصتی را برای افشای چهره‌ی تزویرآلود و رسوا کردن آن مدعیان آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد.

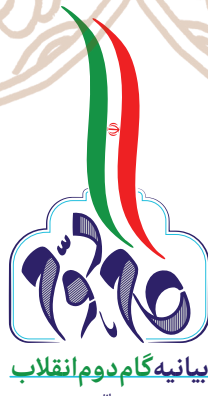
مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی اول بین‌الملل اسلامی است. امروز که



مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیان‌ش ربوده است، بزرگترین وظیفه‌ی ملت و دولت ما و همه‌ی ملتها و دولتهای مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده‌ی سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات می‌توان ریشه‌کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلك آن نجات داد. سکوت و سازش خیانت‌آلود بسیاری از دولتهای عربی و حتی تظاهر بعضی از آنان به بی‌تفاوتی و عدم حساسیت نسبت به سرنوشت فلسطین، کار را به جایی رسانده است که دولت غاصب صهیونیست، پس از سالها کتمان و حتی انکار، اکنون دوباره داعیه‌ی اسرائیل بزرگ را علناً بر زبان می‌آورد و با بی‌شرمی و وقاحت، نیت پلید غصب سرزمینهای جدیدی از میهن اسلامی را تکرار می‌کند.

بعضی از پادشاهان و رؤسای عرب، به خاطر جلب نظر معبودشان امریکا، حتی انگیزه‌های عربی و عرق قومیت را که دایماً از آن دم می‌زنند، در برابر اسرائیل به فراموشی می‌سپارند و به جای آن، میدان مسابقه با اسرائیل در گرفتن كمك از امریکا را هرچه بیشتر گرم می‌کنند. این داغ ننگ را چه کسی از پیشانی ملت عرب خواهد زدود؟ و آیا جوانان مسلمان بیدار در کشورهای عربی، این خیانت را بر خود فروختگان خواهند بخشید؟!

در نظر این زمامداران خائن، قومیت و وحدت عربی، فقط هنگامی باید مورد استفاده قرار گیرد که امریکا بخواهد از آن در برابر ایران

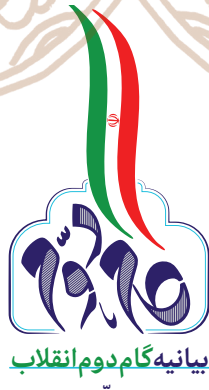


اسلامی و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و اله) بهره‌برداری کند. اف بر وجدانهای خفته و دل‌های ناپاکی که لطف و عنایت امریکا را به قیمت ازدست‌دادن همه چیز، هم ثروت‌های خداداد طبیعی، هم شأن و کرامت انسانی و ایمان اسلامی و آبرو و اعتبار و تشخص ملت خود طلب کردند و با کفران نعمت‌های خدا، خود و ملت‌هایشان را در سراشیب انحطاط و ابتلا به غضب الهی دچار ساختند. «الم ترالی الذین بدلوا نعمت الله کفرا واحلوا قومهم دارالبوار جهنم یصلونها و بئس القرار».

چه شد آن شور و هیجانی که در برابر اسرائیل غاصب ابراز می‌شد؟ و چه شد تعهدی که رؤسای عرب با ملت‌های خود درباره‌ی مبارزه با اسرائیل بستند؟ لعنت خدا و بندگان صالحش بر آن دستی که اولین معاهده‌ی سازش با اسرائیل را امضاء کرد و زندگی سیاه دنیوی و سرنوشت اخروی خود را با فرعون قرین ساخت. و نفرین بندگان صالح و فرشتگان و انبیا و اولیا بر آنان که آن راه را ادامه داده‌اند و می‌دهند؛ مخصوصا آنان که امید کاذبی به ملت مظلوم فلسطین داده و آن‌گاه به بهای سیه‌روزی آنان، عیش ناپایداری برای خود فراهم کردند.

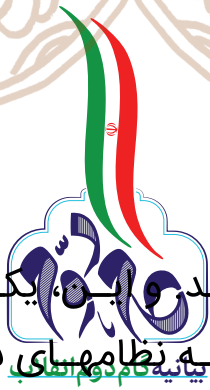
ملت فلسطین نباید و نمی‌تواند آزادی و حقوق حقه‌ی خود را در کنفرانس و گردهمایی‌های سران عرب جستجو کند. این نشست و برخاستها، اگر برای فلسطینی‌های مظلوم، شوم و بدفرجام نباشد،

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



حداقل بی‌فایده و بی‌خاصیت است. رؤسایی که در این ایام به عنوان فلسطین گردهم آمدند، اگر صادقانه در اندیشه‌ی نجات فلسطین بودند، باید در برابر پیشنهاد مزورانه‌ی رئیس‌جمهوری امریکا، موضعی سخت و قاطع گرفته، برای کمک مالی و تسلیحاتی و سیاسی به مبارزان داخل فلسطین اشغالی، تصمیمهای عاجل و واقعی می‌گرفتند و به شعارهای پوچ اکتفا نمی‌کردند و اگر چنین نشود - که نشده است و با وضع فعلی جهان عرب و حکام آن، نخواهد هم شد - مبارزان داخل باید به خدا و به نیروی مردمی و اسلامی تکیه کنند و بدانند: «کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة باذن الله والله مع الصابرين».

۶) تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان، رکن مهم دیگری است که روزبه‌روز باید تحکیم و تقویت شود. مردم آزاده‌ی ما، با اراده‌ی قاطع خود که از ایمان عمیق آنان به اسلام ناشی می‌شود، مبارزات را تا پیروزی ادامه داده و جمهوری اسلامی را به وجود آورده و با فداکاری و ایثاری بی‌نظیر، از آن حراست نموده‌اند و از این پس هم در همه حال، نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهد بود. مجلس شورای اسلامی که در آزادی و استقلال رأی در جهان بی‌نظیر است، مظهر اراده‌ی مردم و رئیس‌جمهور، وکیل و برگزیده‌ی مردم و مدیران کشور، آحادی از مردمنده و مردم دارای حق رأی و بیان و تصمیم در کلیه امور



سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و این یکی از برکات بزرگ اسلام و طرح منحصر به فردی است که نظام‌های شرق و غرب، از آرایه‌ی آن ناتوان بوده‌اند و در هیچ‌یک از سیستم‌های حکومتی عالم، نمی‌توان نظیر آن را یافت.

علاوه بر نظام‌های ورشکسته و متلاشی‌شده‌ی کمونیستی که در آن، حزب منحصر به فرد کمونیست، به جای مردم تصمیم می‌گرفت و علاوه بر نظام‌های ارتجاعی مستبدانه که در آن، سلطنت‌های موروثی و ریاست‌های ناشی از کودتای نظامی، با آن زندگی‌های قارونی و دیکتاتوریهایی فرعون‌ی، وبال جان و زندگی مردم محسوب می‌شوند، در کشورهایی هم که اسما دارای نظام دمکراسیند و حکومتها علی‌الظاهر با رأی و انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، باطن کار چیز دیگری است و زمام همه‌ی کار، در دست کمپانیها و سرمایه‌داران استثمارگر است و این قدرت پول و سرمایه است که با در دست داشتن رسانه‌ها و قدرت تبلیغات، امر را بر خود مردم هم مشتبه می‌کند.

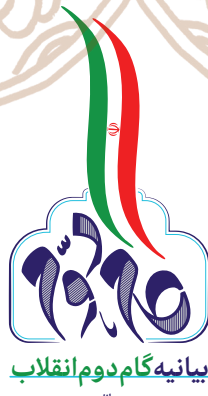
در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتی حکومت‌هایی هم که داعیه‌ی توده‌یی داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زی طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثناء، دامن خود را از طرز زندگی‌های رایج مسؤولان در سایر کشورها پاکیزه نگه‌داشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسؤولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه جای دنیا میان مردم و مسؤولان هست، مشاهده نکردند؛ حرف خود را بی‌محابا زده و اگر انتقادی داشته‌اند، براحتی مطرح ساخته‌اند و مطبوعات، حتی



رادیو و تلویزیون، همواره نظرات گوناگون را در مسایل کشور منعکس کرده و مردم را در معرض افکار و سلیقه‌های گوناگون قرار داده‌اند و این، موضوعی روشن و مشهود است. حتی ورشکستگان سیاسی و دسته‌جاتی که در امتحانات متعددی از آغاز انقلاب، مردود و در نزد مردم سرافکنده و به وسیله‌ی آنان مطرود شده‌اند نیز هنگامی که به تحریک اجانب، مقالات زهرآگین و کینه‌توزانه بر علیه نظام اسلامی و مسؤولان کشور می‌نویسند، انواع اتهام را به آنان می‌زنند، این نوشته را بدون هیچ مانع و رادعی به چاپ رسانده، تا هرجا که خواننده‌یی بیابد، منتشر می‌کنند و علی‌رغم میل خود، عملاً وجود آزادی را اثبات می‌کنند.

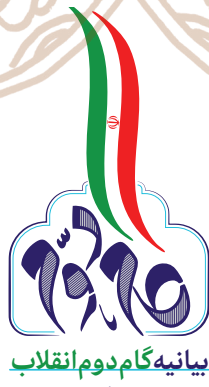
بعضی از این نویسندگان و گویندگان که عمر باطل خود را غرقه در فساد و آلودگی‌های اخلاقی و سیاسی و انواع هرزگی‌ها گذرانیده‌اند، با حکومت اسلامی که راه را بر این تباهی‌ها و هرزگی‌ها بسته است و اربابان خارجی آنها را بیرون رانده، مخالفند و آن‌گاه این مخالفت و عناد را که مخالفت با اسلام و استقلال و آزادگی ملی و طهارت اخلاقی است، به حساب خرده‌گیری و انتقاد از اوضاع سیاسی و اقتصادی می‌گذارند و درحالی‌که آزادانه هرچه خواسته‌اند، گفته‌اند، با وقاحت و بی‌شرمی، مطالبه‌ی آزادی می‌کنند! خواست حقیقی اینها، باز شدن پای امریکا و فروختن کشور به دشمنان است و خصم آنان، ملت رشید و آگاه است. ملت ما، حسرت بازگشت به دوران بردگی امریکا را بر دل آنان خواهد گذاشت و با همه‌ی وجود، دست‌آورد بزرگ خود - یعنی نظام اسلامی و حاکمیت اراده و ایمان انسانها - را حراست خواهد کرد.

نظام اسلامی، هرگز نخواسته آزادی را که پرچمدار آن اسلام و قرآن



است، از مدعیان دروغگوی آزادی در نظامهای غربی بیاموزد. ما آزادی فساد و بی‌بندوباری و هرزگی و آزادی دروغ و تزویر و فریب و آزادی ظلم و استثمار و تجاوز به حقوق ملت‌ها را که غرب پرچمدار و مرتکب آن بوده است، صریحا و قاطعا رد می‌کنیم. ما آن آزادی را که به سلمان رشدی مرتد نابکار، اجازه‌ی اهانت به مقدسات یک میلیارد انسان را می‌دهد، اما به مسلمانان انگلیس حتی حق شکایت از او را هم نمی‌دهد؛ به دولت امریکا حق تحریک و سردستگی اوباش مخالف با یک حکومت مردمی را می‌دهد، اما به آن حکومت مردمی، حق مقابله با آن اوباش را نمی‌دهد؛ به سرمایه‌داران غارتگر، حق ورود نامشروع به کشورهای ضعیف و چپاول هست و نیست آن ملت‌ها را می‌دهد، و به آن ملت‌ها حق مبارزه‌ی با آنان را نمی‌دهد، مردود و منفور می‌شماریم و آن را ننگ بشریت می‌دانیم.

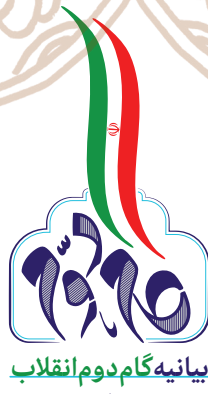
آزادی در منطق ما، آزادی‌یی است که اسلام به ملت‌ها می‌بخشد و آنان را به کوه استواری در برابر سلطه‌گران ظالم و غاصب تبدیل می‌کند؛ همان‌طور که در مورد ملت ایران اتفاق افتاد و این معجزه پدید آمد. و این آزادی در کشور ما همواره هست و خواهد بود و همه‌ی آحاد ملت باید آن را حفظ کنند. مسؤولان کشور باید مانند همیشه، پاس حضور مردمی و تأثیر تعیین‌کننده‌ی آن در استقلال کشور را بدارند و به‌طور روزافزون، مردم را به حضور و فعالیت در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و دفاعی و امنیتی تشویق



نمایند.

۷) همکاری دولت و ملت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسؤولان کشور، یکی از مظاهر اساسی حکومت مردمی است و تاکنون گره‌گشای مسایل بسیار مهمی بوده است و باید همیشه با همان قوت و استحکام باقی بماند. امام بزرگوار ما (رضوان الله علیه) در دوره‌های مختلف و نسبت به دولتهای همهی دوران دهساله، همواره مردم را توصیه به همکاری و کمک نموده‌اند و امروز که دولت جمهوری اسلامی، با مدیریت یکی از چهره‌های شاخص انقلاب و یکی از شاگردان و یاران دیرین امام امت، با مجموعه‌یی از کارهای بزرگ برای پیشرفت کشور و رشد و توسعه‌ی ملی و دفاع از ارزشهای انقلاب در سطح جهان روبه‌رو است، این پیوند و صمیمیت، از همیشه باید مستحکمتر باشد و بحمدالله همین‌طور نیز هست.

وقتی مدیران اصلی کشور مورد اعتماد مردمند و مردم در کار آنان، نشانه‌های لیاقت و صداقت را می‌بینند، همهی کارها آسانتر و روانتر انجام می‌گیرد و وسوسه‌ها موجب کارشکنی و عدم همکاری نمی‌شود. ممکن است بدخواهانی برای جلوگیری از پیشرفت کارها، دست به شایعه‌پراکنی زده و دولت یا دستگاه قضایی را زیر سؤال ببرند. ملت عزیز باید بدانند این‌گونه تلاشها، ناشی از حسن نیت نیست و انتقاد نابجا از مسؤولان زحمتکش و مخلص و ناسپاسی در برابر تلاشهای توانفرسای آنان، هرگز کمکی به پیشرفت امور کشور

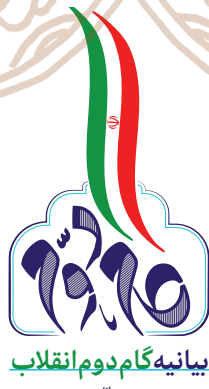


نکرده و نخواهد کرد.

دولت و دستگاه قضایی نیز باید خود را به تمام معنا خدمتگزار مردم دانسته، هدفی جز کسب رضای خدا از راه خدمت به ملت، مخصوصاً قشرهای محروم و زحمتکش و احقاق حق آنان و رفع ظلم از آنان و بریدن دست متجاوزان به حقوق عمومی و سوء استفاده‌کنندگان و زراندوزان از خدا بی‌خبر نداشته باشند. ملت وفادار ما در راه اسلام و انقلاب، از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نکرده است و جا دارد که هرکس در هر مسؤولیتی، همه‌ی همت خود را به گشودن گره‌ها و رفع مشکلاتی که از سوی دشمنان کشور تحمیل شده است، بگمارد.

۸) سازندگی کشور و آبادسازی این سرزمین پربرکت و مستعد و جبران عقب‌ماندگیهای تأسفباری که در دوران حکومت طواغیت، بر این ملت بااستعداد تحمیل شده است، یکی از هدفهای اصلی جمهوری اسلامی است. ملت ما در بهترین فرصتهای تاریخی، یعنی در دورانی که جهان، تازه به جاده‌ی دانش و صنعت قدم نهاده بود و ایران می‌توانست با بیداری و تحرک مناسب، سهم خود را در پیشرفت علمی و صنعتی بشریت ایفا کند و از نتایج آن بهره‌مند شود، در اسارت حکام ظالم و مستبد و بی‌خبر و وابسته، از قافله عقب ماند. پادشاهان پهلوی و قاجار، به جای سازندگی کشور و زنده کردن استعدادهای خدادادی بشری و طبیعی آن، ایران را به خارجیان سوداگر و چپاولگر فروختند و منابع را به غارت بیگانگان دادند و یا

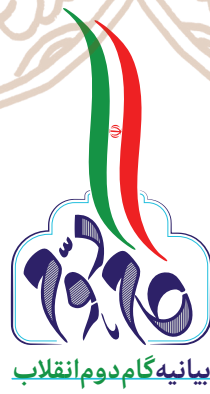
پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



راکد و معطل گذاردند و استعداد‌های انسانی را به هدر دادند و به جای مصلحت ملت، مصالح دولتها و کمپانیهای خارجی را مقصد خود ساختند؛ به طوری که خط آهن وقتی با صدسال تأخیر به کشور ما وارد شد، در تعیین مسیر آن، به جای رعایت مصالح ملت و نیازهای بازرگانی، مصلحت نظامی دشمنان در نظر گرفته شد.

سیاست وابسته و سوء تدبیر و ضعف نفس و استبداد در رژیم پهلوی و قاجار، در ظرف دویست سال، ایران را که روزی به برکت اسلام پرچمدار دانش جهان بود، به ویرانه‌یی محتاج بیگانگان و تحت سلطه‌ی آنان بدل ساخت. روستاها متروک، شهرها مصرف‌زده، مزارع بی‌ثمر، صنعت مونتاژ و مغزها معطل شدند.

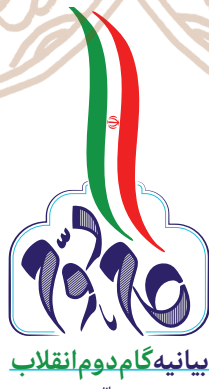
پس از پیروزی اسلام و تشکیل نظام مردمی و انقلابی جمهوری اسلامی، دشمنان خارجی بخوبی تشخیص دادند که این نظام انقلابی، با پشتوانه‌ی مردمی نیرومند خود و با اعتقاد راسخی که به نیروی ملی و مردمی خود دارد، خواهد توانست کشور را در جاده‌ی رشد و پیشرفت مادی بیندازد و عقب‌ماندگیها را با برنامه‌ریزی جبران نماید و دست بیگانگان سودجو و بد نیت را برای همیشه کوتاه کند. لذا از هر وسیله‌یی برای جلوگیری از سازندگی کشور استفاده کردند که یکی از آنها، جنگ ویرانگری بود که بر مردم ما تحمیل نموده و موجب شدند که همت مردم و مسؤولان، به جای سازندگی و پیشرفت علمی و عملی، صرف دفاع از تمامیت و استقلال کشور شود.



امروز که آتش جنگ فرونشسته و برنامه‌ی سازندگی به وسیله‌ی دولت و مجلس تنظیم شده و نیروهای مخلص، آستین همت بالا زده‌اند، بر همگان واجب است که سازندگی کشور را بسیار جدی بدانند و موانع را از سر راه آن بردارند. امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه‌گیر شود، زندگی مردم سروسامان یابد، فقر و محرومیت ریشه‌کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.

بعضی از رسانه‌های مغرض خارجی اصرار دارند و انمود کنند که پایبندی به اصول انقلاب، به معنای دوری از رفاه عمومی و علاج نکردن مشکلات طبقات ضعیف و مستمند است. این حرف از کسانی صادر می‌شود که دهها سال جوامع خود را در سایه‌ی سنگین تفکر کمونیستی، به راهی بدبختی‌زا سوق داده‌اند. درحالی‌که سران آن کشورها مانند کشورهای سرمایه‌داری، غرق در زندگی اشرافی بودند، طبقات پایین جامعه در انواع سختیهای مادی و معنوی بسر می‌بردند. در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



دولت و ملت، باید سازندگی کشور را وظیفه‌ی انقلابی بدانند؛ با همکاری و با بسیج همه‌ی نیروها و استعدادها و مغزها و بازوها، ایران را چنان آباد و پیشرفته بسازند که امید را در دل ملت‌های مظلوم زنده کند و راه آسایش مادی و تعالی معنوی را به آنان ارایه نماید.

۹) گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعدادهای انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی، یکی دیگر از نقاط اساسی انقلاب است. جامعه‌ی مطلوب اسلام، جامعه‌ی است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسانها - که گرانبهاترین ثروت ملی هر جامعه‌ی است - استخراج و به کار گرفته شود؛ بی‌سوادی ریشه‌کن گردد؛ مدارس، دربرگیرنده‌ی همه‌ی کودکان و نونهالان؛ دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، پررونق؛ مراکز تحقیق، فعال و پیشرو؛ کتاب، همه جا و نزد همه کس رایج؛ مطبوعات، پرمغز و آگاهی‌بخش؛ دانشمندان و اساتید، بانشاط و پرانگیزه؛ مبتکران و نوآوران و نویسندگان و هنرمندان، دلگرم و فیض‌بخش باشند.

فاصله‌ی امروزمین ما با وضعی که مطلوب و مقبول اسلام می‌باشد، فاصله‌ی زیاد، اما پیمودنی است. ایران اسلامی باید ثابت کند که امروز هم پرورشگاه نبوغها و استعدادهای علمی منحصر به فرد است و دو قرن سلطه‌ی استبداد و استعمار، نتوانسته است جوهر ذاتی این ملت را نابود کند. اگر در دو قرن گذشته، تسلط استعمار و استبداد، مانع شکوفایی

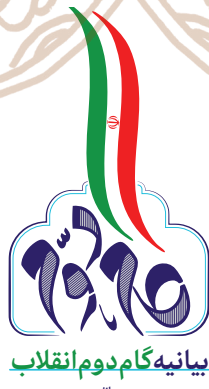


استعدادها شده، امروز در دوران آزادی و بیداری ملت و به برکت انقلاب اسلامی، باید عقبماندگی جبران شود.

دانشگاهها باید تلاش علمی و تحقیقی خود را با روحیهی انقلابی و نشاط اسلامی دنبال کنند؛ وگرنه سرنوشت آنها بهتر از دانشگاههای دوران طاغوت نخواهد بود که در آن، خودباختگی علمی در برابر بیگانگان و تحقیر ارزشهای خودی، راه را بر جوشش استعدادها می‌بست و مغزهای مستعد را هم به گریز از مرز و بوم خود تشویق می‌کرد. اساتید عالی‌قدر و دلسوز، باید فضای انقلابی را برای تربیت نیروهای مستعد مغتنم بشمارند و دانشجویان ضمن تکریم و احترام به اساتید - که فریضه‌یی اسلامی است - نباید اجازه دهند احیاناً کسی بدخواهانه، از علم و تخصص، وسیله‌یی برای هموار کردن راه فرهنگ استعماری در دانشگاهها درست کند و مانند دوران سلطه‌ی بیگانگان، دانشگاه را پرورشگاه مغزهای از خود بیگانه و بیگانه‌پرست سازد. روشنفکران دلسوز و صادق بدانند که امروز، روز آزمایشی بزرگ است و تاریخ درباره‌ی آنان و رفتار امروزیشان، قضاوتی دقیق و افشاگر خواهد داشت.

اگر کسانی از وابستگان به قشر روشنفکر کشور، در دوران سلطه‌ی بیگانگان و حکومت خودفروختگان، توفیق آن را نیافته‌اند که به اقتضای مسؤولیت روشنفکران، در صفوف ملت قرار گرفته و در جایگاه خود در جبهه‌ی مبارزه با امریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش قرار گیرند، امروز که روز حکومت مردم

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

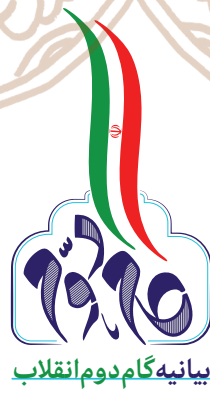


و حاکمیت ارزشهای اسلامی و انسانی و روز مبارزه با بیگانگان کینه‌ورز و خدعه‌گر است، باید گذشته را جبران و صفوف مبارزه‌ی ملت ایران را با امریکا و استکبار و امپراتوری خبیث زر و زور جهانی، به سهم خود و به قدر نیرو و توان خود مدد برسانند و زبان و قلم و هنر را در خدمت جهاد عظیم اسلامی این ملت قرار دهند.

زندگی در نظامی که برپایه‌ی معرفت و فرهنگ و ارزشهای الهی بنیان نهاده شده، برای همه افتخارانگیز است؛ نظامی که در رأس آن امام خمینی است؛ آن عظیم‌القدری که حتی دشمنانش او را بزرگ و خارق‌العاده می‌شمارند و به عظمتش کینه می‌ورزند. هیچ‌کس اعتلای معنوی او و زهد و پارسایی او و دانش و معرفت او و صفای روح بزرگ او را انکار نمی‌کند. هیچ‌کس در او، کمترین شایبه‌ی از ضعف و تسلیم در برابر دشمنان ملت نمی‌شناسد و قله‌ی برتر از او در عظمت روحی، گمان نمی‌برد.

چه قدر کوچک و زبون و بی‌مقدارند کسانی که خود را دلبسته به نظامی بدانند که در رأس آن، مردمی فاسد و فاسق و خائن، مانند پادشاهان صدسال اخیر قرار داشته باشند و گردانندگان آن، امثال رضاخان و محمدرضا و علم و اقبال و هویدا و زاهدی و منصور و وابستگان بدنام و مجرمشان باشند و امریکا و انگلیس، ارباب این همه و صاحب‌اختیار ملک و ملت باشند.

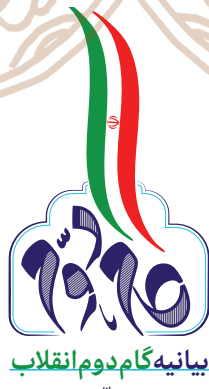
آیا روشنفکرنمایی که در سایه‌ی آزادی اسلامی، فرصت و امکان آن را



یافته‌اند که صفحاتی را به داعیه‌ی روشنفکری، از سخنانی خوشایند بیگانگان مطرود پر و منتشر کنند، شهادت آن را دارند که به صراحت اقرار کنند که داغ و غصه‌ی آنان، نه برای علم یا آزادی، بلکه به خاطر جمع شدن سفره‌ی ننگین فسق و فساد و کوتاه شدن دست مروجان فرهنگ تباهگر غربی است؟ و دشمنی آنان با نظام، نه به دلیل وجود عیب و نقیصه‌یی در آن، بلکه به انگیزه‌ی بازگشت به همان دنیای شرم‌آوری است که بیگانگان برای آنان به وجود آورده و از خود آنان در راه آن کمک گرفته بودند؟! از مسخ شدگان فرهنگ استعماری غرب، هیچ انتظاری نیست؛ امید و انتظار از روشنفکران صادق و دلسوزی است که تعالی و عزت و پیشرفت معنوی و مادی ملت و کشور خود را می‌جویند و سلطه‌ی بیگانه را در همه‌ی اشکالش مردود می‌شمارند. شایسته است که اینان نظام اسلامی را - که مایه‌ی عزت ایران و حیات دوباره‌ی ملت است - قدر بدانند و مسؤولیت خود را در آن بشناسند.

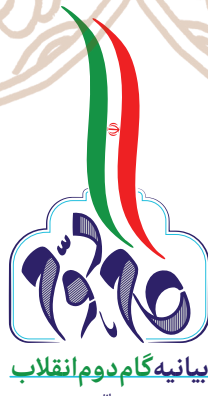
۱۰) روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات پانزده‌ساله‌ی منتهی به پیروزی انقلاب و سپس در تشکیل نظام مقدس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پرشور ملت ایران در برابر تهاجم‌های گوناگون دشمنان و پیش از اینها و در طول قرنهای متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملت ایران به مکتب حیاتبخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه‌جا بوده است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)



حضور روحانیون متعهد و مبارز در مرکز مبارزه با رژیم دست‌نشانده‌ی امریکا بود که قشرهای گوناگون مردم را به صحنه‌ی مبارزه کشانید و مبارزه را شکل عمومی و مردمی بخشید. در همه‌ی حوادث بزرگی که ملت ایران یکپارچه در آن شرکت جسته‌اند - مانند نهضت مشروطیت و قیام تنباکو - نیز حضور علمای دین در پیشاپیش صفوف، تنها عامل این حضور عمومی بوده است. استعمارگران انگلیسی، با درک همین حقیقت بود که انهدام جامعه‌ی روحانیت را مقدمه‌ی لازم برای ادامه‌ی حضور استعماری خود در ایران دانستند و به وسیله‌ی عامل دست‌نشانده‌شان - رضاخان - در سالهای ۱۳۱۳ به بعد، نقشه‌ی محو روحانیت را شروع کردند و در آن سالها دست به فجایعی نسبت به علمای عالی‌مقام و حوزه‌های علمیه زدند که در تاریخ ایران، پیش از آن هرگز سابقه نداشت و متأسفانه شرح این فجایع و ماجرای مقاومت مظلومانه‌ی علما و طلاب در آخرین سالهای حکومت رضاخان قلدر، به‌طور کامل تدوین نشده و در معرض اطلاع مردم قرار نگرفته است و لازم است اطلاع شاهدان عینی - که بحمدالله هنوز تعداد آنان کم نیست - به وسیله‌ی افراد و مؤسسات مسؤول، با همتی مردانه گردآوری شود.

آزادگی روحانیون و علمای دین و عدم نفوذ قدرتهای داخلی و جهانی در آنان، موجب آن بوده است که قلدران و حکمرانان خودسر، هیچ‌گاه نتوانند این مجموعه‌ی ربانی را از سر راه مفسده‌جوییها و خیانت‌های

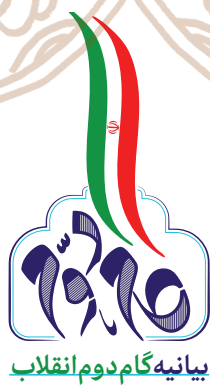


خود بردارند و اگر جمعی از معممین سرسپرده و آخوندهای درباری، به طمع حطام ناپایدار دنیا، بر سرسفرهی ستمگران نشسته و قولا و عملا آنان را تأیید کردند، اکثریت علما و روحانیون و فضلا و طلاب جوان، در حصار مناعت و پرهیزگاری و پاکدامنی باقی مانده و اراده و توان مبارزه‌ی صادقانه و قدرتمندانه را حفظ کردند و اعتقاد راسخ به روحانیت شیعه را در دل آحاد مردم، زوال‌ناپذیر ساختند.

جامعه‌ی روحانیت به همین دلیل، همواره آماج تیرهای زهرآلود خصومت و غرض‌ورزی دشمنان گوناگون و استعمارگران و بیگانگان و بیگانه‌پرستان بوده و به مثابه‌ی دشمن درجه‌ی یک آنان تلقی شده است. تبلیغات خصمانه و برنامه‌ریزی‌شده‌ی حکومت پهلوی و سیاستهای ذی‌نفوذ در ایران در طول پنجاه سال برضد قشر روحانی که ماهیتی صددرصد استعماری داشت، در دوران رضاخان و نیمه‌ی اول دوران محمدرضا، آزمایش سختی برای علمای دین بود و جامعه‌ی روحانیت بحمدالله از این آزمایش سربلند بیرون آمد.

در دوران مبارزات پانزده‌ساله نیز حوزه‌های علمیه‌ی قم و دیگر حوزه‌های علمیه و چهره‌های سرشناس روحانیت، کانونهای اصلی مبارزه و بالطبع هدفهای اصلی حملات وحشیانه‌ی دشمن بودند؛ لیکن این شدت عملهای بی‌حد و حساب، به اراده‌ی الهی موجب آن نشد که روحانیت از راه پرافتخار خود - که پیمودن آن، وظیفه‌ی تخلف‌ناپذیر اسلامی او بود - قدم باز پس نهد؛ بلکه در این دوران،

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

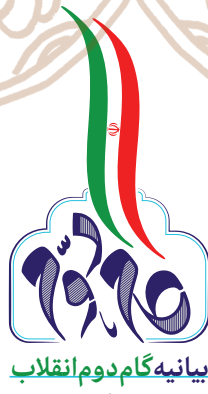


فکر اسلامی شکوفاتر، صیقل خورده‌تر و فقه قرآن، پربارتر و شخصیت روحانیون مبارز، آبدیده‌تر شد و زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم آمد.

پس از انقلاب تاکنون نیز روحانیت، بخصوص عناصر برجسته‌ی آن - که مستقیماً در خدمت نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند - بی‌وقفه آماج حملات مسموم دشمن بوده‌اند؛ چه در عرصه‌ی تبلیغات و چه در عرصه‌ی تروریزم خائنه و آلت دست دشمن. و شهدای گرانقدری، هم در جبهه‌ی جنگ تحمیلی و هم در جبهه‌های فعالیت‌های جهادی خود تقدیم داشته‌اند و محراب نماز جمعه و عرصه‌ی علم و سیاست و تبلیغ دین را با خون مطهر خود رنگین ساخته‌اند.

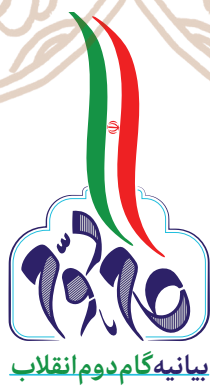
ملت عزیز ما می‌دانند که انگیزه‌ی دشمن از این حملات همه‌جانبه به علمای دین، جز این نیست که بوضوح می‌دانند روحانیت نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی داشته و دارند و آنان حمله به روحانیت را با هدف تضعیف و محو انقلاب انجام می‌دهند.

امروزه قلمهای مزدور و دستهای فروخته شده به دشمن، در کار آنند که این پشتوانه‌ی معنوی انقلاب را در چشم مردم تضعیف کنند. دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجر گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم



را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پرمعنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سالهای پس از پیروزی، علمای متحجر و بی‌خبر از حوادث کشور و دور از جریانهای سیاسی، هیچ‌گاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتی تهمت ارتجاع و واپسگرایی از سوی روشنفکر نمایان عامل بیگانه، تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوریهای عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و به عنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه، شناخته شده‌اند.

موضعگیریهای دشمنان، بدرستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاً این که قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌ی دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت از آن جایز نیست. ثانیاً این که تحجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستہ توجه به منافع شخصی و دنیا طلبی و روی آوردن به زیورهای مادی و سوء استفاده از مکانات اجتماعی، خطرش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از



ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاہت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعہ‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیہ با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البتہ با اعمال دقت لازم و برجستہ کردن اصول و مبانی فقاہت، راه را بر التقاط و کجروی ببندند. رابعا انزوا و دوری از فعالیت سیاسی را - کہ خواست دشمنان و خلاف وظیفہ‌ی اسلامی است - به‌هیچ‌وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیہ راه ندهند و همواره مخصوصا در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانہ و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقہ را با جہاد و معرفت را با تبلیغ قوی و عملی همراه سازند و ہر سہ سنگر: مدرسہ، مسجد و جہہ را پر کنند .

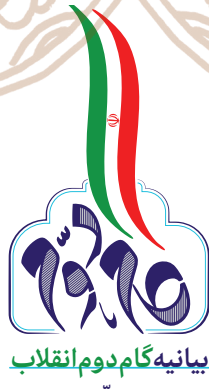
(۱۱) در این مقال، لازم است بزرگداشت وفاداران فداکار نیز بہ عنوان یکی از نقاط عمدہ‌ی معارف انقلاب ذکر شود. مقصود از وفاداران انقلاب، آنہايند کہ با نثار جان خود یا عزیزان خود یا سلامتی خود، پایہ‌های انقلاب را استحکام بخشیدند و دست دشمنان را از کشور و نظام اسلامی کوتاه کردند: خانوادہ‌های مکرم شہیدان، دلیرمردان جانباز و اسیر و مفقود و خانوادہ‌های بزرگوار آنان، رزمندگان نیروہای مسلح و عناصر پاکباز بسیج کہ عمر خود را در جہہ‌ها گذرانیدہ‌اند، جہادگرانی کہ نیروی خود را در دو جہہ‌ی جنگ و سازندگی صرف کردند... و ہمہ‌ی



کسانی که در این امتحان الهی، با سختیها و ابتلائات بزرگش دست و پنجه نرم کردند، باید مورد تکریم و قدرشناسی همیشگی ملت باشند.

۱۲) ختام سخن آن است که دوران دهساله‌ی حیات مبارک امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، الگو و نمونه‌ی حیات جامع‌ه‌ی انقلابی ماست و خطوط اصلی انقلاب، همان است که امام ترسیم فرموده است. دشمنان خام‌طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی، دوران جدید با مشخصاتی متمایز از دوران امام خمینی (قدس سره) آغاز شده است، سخت در اشتباهند. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و اهداف او اهداف این انقلاب است. امت امام و شاگردان او که از سرچشمه‌ی فیاض آن موجود ملکوتی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جست‌ه‌اند، اکنون شاهد آنند که ملت‌های دیگر، حتی ملت‌های غیرمسلمان، نسخه‌ی تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه‌ی نجات خود دانسته و آزادی و عزت خویش را در آن یافته‌اند. امروز به برکت نهضت آن یگانه‌ی دوران، مسلمانان در همه‌جا بیدار شده‌اند و کاخ امپراتوری‌های سلطه‌ی ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است. ملت‌ها ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه‌ی خون بر شمشیر را تجربه می‌کنند و همه در همه‌جا، چشم به ملت مقاوم ونستوه ایران دوخته‌اند.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

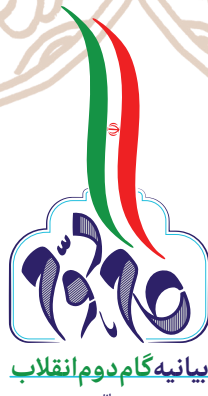


بدیهی است که برای امریکا و دیگر سردمداران استکبار، چیزی مهمتر از این نیست که ملت ایران از راه دهساله‌ی خود برگردد، یا در آن تردید کند؛ زیرا در این صورت، نقطه‌ی درخشان امید ملت‌ها کور خواهد شد و غلبه‌ی خون بر شمشیر، مورد تردید قرار خواهد گرفت. ما صریحا به همه‌ی ملت‌های جهان اعلام می‌کنیم که تفکر «خاتمه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم امریکا و همکارانش، امام خمینی در میان ملت خود و جامعه‌ی خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست.

همه‌ی ملت و مخصوصا جوانان عزیز و نوجوانان، خود را سربازان امام محبوبشان بدانند و با اتکال به خدا و استمداد از حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه) با قوت و قدرت به سمت هدف‌های عالی امامشان حرکت کنند و بدانند که پیروزی نهایی از آن ماست. «کتب الله لاغلبن انا و رسلی».

دهم خرداد ۱۳۶۹ برابر با ششم ذی‌القعدة ۱۴۱۰

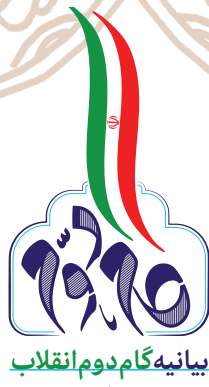
علی‌الحسینی‌الخامنه‌ئی



پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
ملت سرافراز ایران!

هر ملّتی و کشوری در طول زندگانی ممتدّ خویش، دورانهایی و حوادثی را میگذراند که تأثیر آن در سرنوشت تاریخی او، بسی تعیین کننده و ماندگار است و میتواند او را به نیکبختی و عزّت و اقتدار، یا سیه روزی و ذلّت و حقارت بکشاند. این حوادث هرچند سالها به طول انجامد در مقایسه با عمر ملّتها، در حکم لحظه‌ای زودگذر است، و اگر ملّتی در تندباد چنین حوادثی قرار میگیرد از خود اراده و هوشمندی و ایمان و استقامت نشان دهد قله‌های شرف و بهروزی را فتح میکند و قدم در جاده‌ی پیشرفت و تعالی میگذارد و با هر گردنه‌ی دشوار و سنگلاخی مواجه شود از آن عبور میکند و خود را به هدف میرساند. ولی اگر ضعف و تن‌پروری و دل سپردن به لذّت و راحت موقت و ناهوشمندی و بی‌ارادگی و بی‌ایمانی گریبان گیر او شود آینده‌ی خود را تباه میکند و دست‌خوش ذلّت و اسارت و وابستگی

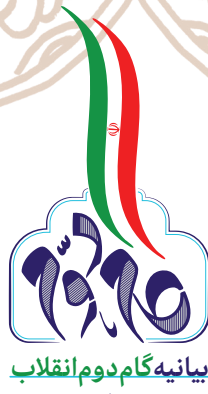


میشود، و همه‌ی سختی‌ها و گرفتاری‌های ملل عالم که ناشی از وابستگی و اسارت است پی‌درپی و بتدریج بر او میتند و او را دچار بدبختی دنیا و آخرت میکند.

ملتهای پیشرو و موفق جهان در همه‌ی دورانها، ملتهایی هستند که در یکی از چنین لحظه‌های تاریخی، تصمیمی شرافتمدانه و شجاعانه گرفته و سختی‌های مجاهدت و پایداری را با شوق و شور، تحمل کرده‌اند و خود را با تلاش و هوشمندی به نقطه‌ی امن و عزّت و استقلال رسانده‌اند.

ملت بزرگ ایران در انقلاب اسلامی کبیر خود که در چنین روزهایی در سال ۱۳۵۷ به اولین پیروزی تاریخی خود رسید، یکی از زیباترین و شگفت‌انگیزترین نمایشها را از این‌گونه در صحنه‌ی تاریخ اجرا کرد.

رژیم پهلوی که در بی‌کفایتی و فساد و سرسپردگی به بیگانگان در میان حکومت‌های فاسد این منطقه از همه روسیاه‌تر بود، در طول ده‌ها سال حکومت خود بزرگ‌ترین ضربه‌ها را بر ملت و کشور ایران وارد آورده بود، ملت را با دیکتاتوری خشن و سرکوب بی‌رحمانه از صحنه‌ی سیاسی کشور بیرون رانده، منافع کشور را قربانی بندوبست با قدرتهای مداخله‌گر و کمپانی‌های غارتگر کرده، جوانان را با رواج ابتذال و شهوت‌رانی از اندیشیدن به سرنوشت کشور بازداشته و صدای هر معترض و آزادی‌خواهی



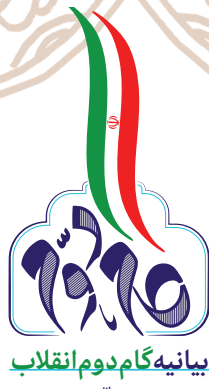
را در گلو شکسته بود.

با نابود کردن کشاورزی ملی و وابسته کردن صنعت ناقص و معیوب، و باز گذاشتن دست بیگانگان حریص و نوکران دربار و غارت منابع نفتی و بذل و بخشش ثروت ملی به اربابان آمریکایی و اروپایی و ویران کردن روستاها و تبدیل ایران به بازار کالاهای بی‌ارزش خارجی و پس‌مانده‌ی محصولات کشاورزی آمریکا و برنامه‌های خائنانه‌ی دیگری از این قبیل، اقتصاد کشور را دچار انحطاط مزمن و وابسته به اراده‌ی قدرتهای خارجی کرده و رگ حیات ملت را به دست دشمنان سپرده بود.

ایمان و فرهنگ و اعتقادات ملت ایران را به تمسخر گرفته و با تحقیر آن و ترویج تحمیلی فرهنگ غرب، به مبارزه‌ای جدی با خودباوری و اعتماد به نفس این ملت بزرگ کمر بسته بود.

دین و روحانیت را که در طول چند قرن همیشه منشأ حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و آزادگی و سنگر اصلی مقاومت در برابر تهاجم بیگانگان و ستمگران و مستبدان بودند، مورد سخت‌ترین انتقامها قرار داده و با همه‌ی وسائل زور و تهدید و تهمت و تبلیغ با آنها رفتار میکرد.

درحالی‌که فقر و تنگدستی و گرسنگی و سطح پایین زندگی، گلوی اکثریت ملت ایران را میفشرد، اسراف و ولخرجی و تجمل



و زندگی‌های افسانه‌وار و کاخهای شاه و خانواده و رجال درباری و فرماندهان نظامی‌اش از یک طرف و غارت منابع ملی به وسیله‌ی کمپانی‌های بیگانه و دلّالان داخلی‌شان از طرف دیگر، روزبه‌روز عرصه را بر مردم تنگ‌تر میکرد.

احکام نجات‌بخش اسلام به دست گنه‌کار سران رژیم بکلی از صحنه‌ی زندگی اجتماعی خارج شده و حتی رعایت تقوای دینی و نماز و عبادت در محیط‌های زیر نفوذ مستقیم رژیم مانند محیط‌های نظامی و آموزشی، مورد تمسخر و در مواردی جرم بود.

کمترین انتقادی از رژیم ظالم و سفاک با برخوردهای خشن و خونین روبه‌رو میشد و ساواک جهنمی شاه که به وسیله‌ی سیای آمریکا و صهیونیست‌های ضدّ بشر سازماندهی و تجهیز شده بود، سخت‌ترین شکنجه‌ها و مخوف‌ترین زندانها را برای سرکوب کسانی که جرئت مقابله با آن رژیم را به خود میدادند، آماده داشت.

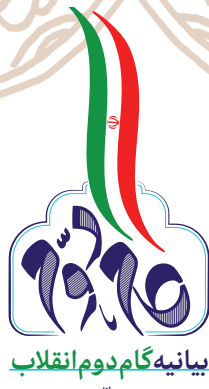
حوزه‌های علمیّه و طلب و علمای مبارز و جوانان و دانشجویان و دانشگاه‌ها بخصوص آنهایی که از دین و مبارزات دینی دم میزدند، مورد خشن‌ترین وحشیگری‌ها قرار میگرفتند.

کشور رو به ویرانی، ایمان دینی رو به اضمحلال، استقلال و



عزّت و شرف ملّی مورد غارت بیگانگان و آینده‌ی ایران و ایرانی بشدّت تیره و سیاه بود.

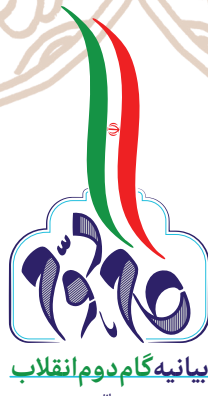
نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی عظیم در میانه‌ی سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ در چنین شرایطی آغاز شد و رشد و تکامل یافت. امام بزرگوار ما با تکیه به تعالیم اسلام ناب محمدی (ص)، و با اعتماد به ایمان دینی مردم، و با شجاعت و اخلاص و توکل کم‌نظیر خود، راه مبارزه را در میان سختی‌ها و مصائب طاقت‌فرسا گشود و پیش رفت و صبورانه و پیامبرگونه ذهن و دل مردم را با واقعیت‌های تلخ و راه علاج آن آشنا کرد. ملّت ایران که از اوّلین قدمها به ندای این مرد الهی و روحانی گوش فرا داده و به منطق حق و درس روشنگر او دل بسته بودند، با انگیزه‌ی نیرومند ایمان و عشق به اسلام، فداکاری‌ها و جانفشانی‌های فراموش‌ناشدنی کردند؛ در خرداد سال ۴۲ در تهران و برخی نقاط دیگر کشور چنان قیامی به راه انداختند که رژیم سفاک برای سرکوب آن از همه‌ی ساز و برگ نظامی خود استفاده کرد و هزاران شهید بر روی آسفالت خیابانهای تهران و قم و جاده‌ی ورامین به خون غلتیدند. و صدها تن از مبارزان و زیدگان و در رأس همه امام بزرگوار به زندانها کشیده شدند. در سالهای پس از آن نیز که مبانی اسلام و نهضت انقلابی آن به‌طور پیوسته و بی‌گسست، به‌وسیله‌ی زیدگان و



دلسوختگان در فضای کشور همه جا آشکار و پنهان تدریس و تبلیغ میشد، مردم مؤمن بخصوص جوانان، شجاعانه و مؤمنانه بدان می‌گرویدند و فکر و دل خود را به هدایت‌های قرآنی، روشن و دست و زبان و جسم و جان خود را در دفاع از آن و تلاش در راه آن به میدان می‌آوردند.

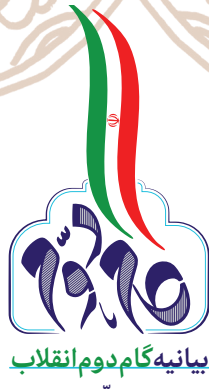
آنچه در طول سالهای مبارزات نهضت اسلامی در ایران گذشت، هرگز در تاریخ شناخته‌شده‌ی ما نظیر نداشته است. در زیر ظاهر آرام زندگی ملت، جریان مبارزات اسلامی، شبکه‌ی عظیمی از انواع تلاشهای مبارزاتی مردمی به وجود آورده بود: از سخنرانی‌های روشنگر، و جلسات آشکار و پنهان درسهای اسلامی، و تهیّه و پخش بیانیه‌ها و جزوه‌ها و فعالیت‌های تربیتی و تعلیمی بر اساس رهنمود اسلام، تا تظاهرات و راهپیمایی‌ها و تجمعهای بزرگ دینی و مردمی و تا تشکیل مجموعه‌های عملیاتی و فداکاری‌های شگفت‌آور و مثال‌زدنی، و همه به‌نوعی متصل و مرتبط به قلب تپنده‌ی این مبارزه‌ی عمومی و برخوردار از رهبری‌های آن روح بزرگ و ایمان ناب و مغز متفکر.

امام بزرگوار ما در این مدت در عین هدایت مردم و گستردن دامنه‌ی آگاهی همگانی و کشاندن توده‌ی میلیونی به مبارزه، اندیشه‌ی حکومت اسلامی را نضج و قوام بخشید و در مقابل دو مکتب رایج سیاسی عالم یعنی حکومت دیکتاتوری حزبی کمونیستی در شوروی سابق و چین و اعمار آنها در اروپا و آفریقا و دیگر نقاط، و حکومت‌های



پارلمانی غربی که سلطه‌ی سرمایه‌داران و کمپانیها بر فکر و اخلاق و سرنوشت مردم به نام دموکراسی بود، راه اسلامی را مطرح کرد که در آن بر دو عنصر دین و انسان به طور اساسی تکیه شده و ایمان دینی و اراده‌ی مردمی بزرگترین شاخصه‌ی آن است. نظام اسلامی در مکتب امام خمینی نظام عدل و ایمان و عقل و آزادگی و مردمگرایی است، و استقلال ملی و رد نظام سلطه‌ی بین‌المللی در مکتب امام بزرگوار ما دارای چنین ریشه‌های عمیقی است. ملتی که نظام اسلامی را انتخاب میکند از آنجا که مؤمن به اسلام و عاشق عدالت، و پایبند به منطق و عقل و دین، و آزاد از تحمیل و زورگویی است، به طور طبیعی همه‌ی قدرتهای سلطه‌گر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی عالم را نفی میکند و از همه‌ی زورگویان و چپاولگران و متجاوزان بین‌المللی روی بر می‌تابد و اگر از آنان تعرضی ببیند با همه‌ی توان در مقابل آنان میایستد و از استقلال و شرف و آزادگی خود دفاع میکند، و از آنجا که معتقد به برادری همه‌ی مسلمانان و شرف همه‌ی انسانهاست در هر نقطه‌ی جهان که ملتی را مقهور دست ظلم و استکبار ببیند با آنان احساس همدردی میکند و اگر بر آزادیطلبی همت گمارند، دست کمک به آنان میدهد.

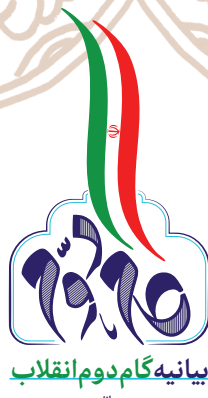
دفاع شجاعانه‌ی ملت و دولت ایران از مردم مظلوم فلسطین و مواضع و رفتار صریح آنان در حمایت از ملتهای مبارز و به خون نشسته‌ی بوسنی و افغانستان و سودان و لبنان، و مواضع معروف و زبانزد آن



در برابر دو ابر قدرت متعارض دیروز یعنی شوروی سابق و آمریکا، و نظر صریح و قاطع آن نسبت به رژیم غصب و ظلم و ترور صهیونی در کشور فلسطین اشغالی و موضع استوار و متقن و شجاعانه‌ی آن در برابر همه‌ی قلدران و زورگویان عالم تا امروز، همه و همه از این اندیشه‌های بنیانی نظام اسلامی سرچشمه میگیرد.

امام بزرگوار ما با ارائه‌ی مکتب سیاسی اسلام، خط بطلان بر همه‌ی تلاشهای فرهنگ و سیاسی دشمنان اسلام در طول یک قرن و نیم گذشته کشید که سعی کرده بودند اسلام را به کلی از عرصه‌ی زندگی جامعه بیرون رانده و با طرح نظریه‌ی جدایی دین از سیاست، دینداری را فقط پرداختن به عبادت و اعمال شخصی قلمداد کنند، و با حذف اسلام از صحنه‌ی سیاست جهان، کشورهای اسلامی را عرصه‌ی غارتگریها و تاخت و تازهای سیاسی و نظامی خود نمایند.

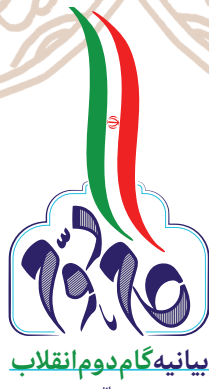
با ارائه و تعلیم و تبلیغ مکتب سیاسی اسلام، که در آن هم نقش مردم و اراده و خواست آنان و هم نقش هدایت الهی و احکام سعادتبخش قرآنی در اداره‌ی زندگی عمومی و حکومت، مشخص گردیده، و جایگاه ایمان و جهاد و اراده و تدبیر تبیین شده است، مبارزات گسترده‌ی مردم، سمت و سوی منطقی و فکری خود را یافت و امام حکیم فرزانه و شجاع، در موضع رهبر بیمعارض، چون خورشیدی صحنه‌ی مبارزات را روشن کرد، و سیل عظیم مردم به سوی میدانهای نهضت اسلامی سرازیر شد، و رهبری حکیمانه و همیشه بیدار امام موجب شد که



هجوم وحشیانه‌ی رژیم و مزدورانش به مردم مبارز، نه فقط عزم و اراده‌ی آنان را سست نکند، که آتش خشم و عزم انقلابی آنان را تیزتر نیز بنماید. کمکهای سیاسی و تسلیحاتی و امنیتی آمریکا و صهیونیسم و دیگر حامیان رژیم منحوس پهلوی که در تمام این مدت به سوی آن سرازیر میشد، سود نبخشید و ملت ایران به کمک خداوند متعال و عنایات حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه و با سلاح ایمان و جهاد و عشق به شهادت، برویم تا دندان مسلح پهلوی پیروز شد، و نظام پوسیده‌ی سلطنت را پس از قرن‌ها سلطه‌ی ظالمانه و تحقیرآمیز، به دور افکند و بنیان شامخ نظام اسلامی را که بر ایمان و معرفت و منطق و اراده‌ی مردم استوار است بنا کرد.

ملت ایران با وحدت کلمه و با تمسک به اسلام و رهبری شجاعانه و حکیمانه‌ی مردی الهی و دین‌شناسی بزرگ و مؤمن و صالح، نظام جمهوری اسلامی را بر سر کار آورد و نمونه‌ی بدیعی از نظام سیاسی را با کارگزاری از متن مردم مؤمن و مبارز - و نه از اشراف‌زادگان و خان‌زادگان فاسد و وابسته - در برابر چشم جهانیان قرار داد.

شعارها و هدف‌ها و راه‌ها و روش‌های این نظام جدید و بدیع همه از سرچشمه‌های زلال معارف و احکام اسلام و قرآن جوشیده بود و لذا پشتوانه‌ی ایمان عمیق ملت ایران به اسلام و اعتماد دیرین آنان به علمای دینی، ضامن تحقق آن شعارها و ره سپردن به سوی آن هدف‌ها و پیمودن آن راه‌ها و روش‌ها گشت.



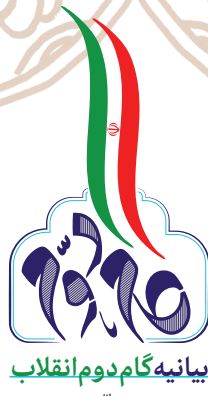
با پیروزی انقلاب اسلامی و سر برافراشتن جمهوری اسلامی به طور همزمان دو جریان عظیم در سراسر گیتی آغاز شد:

اول: روند ستایش و امید و درس‌گیری از سوی ملت‌های مستضعف و زیر ستم، بخصوص در کشورهای اسلامی و نیز مسلمانان سراسر جهان و همه‌ی آزاداندیشان عالم .

دوم: روند نگرانی و توطئه و دشمنی از سوی دولتهای مستکبر و صهیونیستها و سرمایه‌داران غارتگر بین‌المللی و نیز وابستگان آنها در برخی کشورهای دیگر.

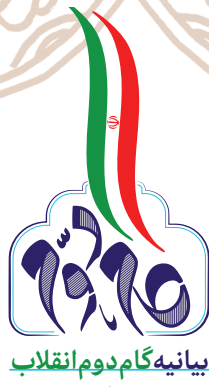
جریان اول که سرگذشتی ناگفته و عمدا مکتوم مانده و بسی درس آموز و عبرت انگیز دارد، یکی از پدیده‌های کم‌نظیر تاریخ است و سزاوار است محققان جوان و پیگیر ما در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و تاریخی درباره‌ی آن به کنکاش برخیزند.

خلاصه‌یی از این سرگذشت آن است که با تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، مسلمانان در همه‌ی جهان هویتی تازه یافتند و احساس عزت و شخصیت اسلامی، در آنان دمیده شد، کوشش مستمری که در طول دهها سال از سوی قدرتهای استعماری و استکباری برای تحقیر مسلمانی و مسلمانان به کار رفته بود، نقش بر آب گشت و در همه جای دنیای اسلام روحیه‌ی افتخار به اسلام و مسلمان بودن رو به رشد و گسترش گذاشت.



نهضت‌های فرهنگی و سیاسی از سوی جوانان و آزادگان مسلمان در چهار گوشه‌ی عالم شکل گرفت، از غیر مسلمانان کسان بسیاری به اسلام و مکتب انقلابی آن ایمان آوردند و کسان بسیار دیگری به دیانت و رسالت دین در تحولات اجتماعی دل بستند، و عظیم، همچون رمز هویت اسلامی و پرچمدار مبارزه با استکبار و فرعون‌ها و زورگویان بین‌المللی شناخته شد. کسانی که توفیق نظاره و تأمل در تظاهرات ملت‌ها و ابراز احساسات عمیق آنان نسبت به جمهوری اسلامی و امام راحل و مسؤولان برجسته‌ی آن را پس از انقلاب تا امروز داشته‌اند و شوق و شور و ستایش و تحسین بی‌سابقه‌ی آنان را نسبت به این بنیان رفیع و همچنین نسبت به مسؤولان و شعارها و پرچم کشورمان در تمام مدت این بیست سال دیده یا شنیده‌اند، میتوانند عظمت این پدیده را ادراک کنند.

در بسیاری از کشورهای اسلامی، حاکمیت دین و عزت و استقلال اسلامی، شعار مبارزان و جوانان و روشنفکران شد و خیل عظیمی از جوانان آنان، منش و رفتار جوانان ایرانی را الگوی خود قرار دادند. و بسیاری از رؤسا و سیاستمداران آنان نیز تظاهر به مسلمانی و دیانت را از سر مصلحت، جایگزین تظاهر به بیدینی و بیندوباری کردند! این جریان یعنی پشتیبانی و طرفداری و سرسپردگی مسلمانان و آزادیخواهان در سراسر جهان نسبت به جمهوری اسلامی و ملت ایران با وجود تبلیغات خصمانه‌ی شبکه تبلیغاتی استکباری که شبانه روز بر ضد ایران اسلامی سرگرم کار است، همچنان ادامه دارد و تا وقتی ملت



ایران در مواضع انقلابی و اسلامی افتخارآمیز خود ثابت قدم است، ادامه خواهد داشت ان شاء الله.

جریان دوم، یعنی روند دشمنیها و کینه‌ها و توطئه‌ها از نخستین روزهای پیروزی انقلاب آغاز شد و به تدریج با زائل شدن حیرت و گيجی و سردرگمی که سیاستمداران دولتهای استکباری و غارتگران و صهیونیستها بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی در این نقطه‌ی حساس جهان بدان دچار شده بودند، گسترش و عمق و تنوع یافت. پیشرو و پرچمدار این خصومت آشتیناپذیر دولت آمریکا و زائده‌ی صهیونیست آن در خاورمیانه بودند. که با سقوط رژیم پهلوی، مطیع‌ترین متحد و مزدور خود در منطقه را از دست داده و از منافع نامشروع سیاسی و اقتصادی خود در ایران محروم شده بودند. شرح این روند خباثت‌آمیز و بغض‌آلود و برخاسته از کینه‌ی عمیق در سطور و صفحاتی معدود نمیگنجد و ظرفیت ده‌ها کتاب و هزاران صفحه برای تبیین آن لازم است، که بحمدالله نوشته‌های آگاهانه‌ی در این زمینه در دسترس همگان است. نگاهی به فهرست این تلاشهای خصمانه که شامل اقدامهای سیاسی و تهاجمات نظامی و تدارک کودتاها و شورش‌آفرینی در مناطق متعددی از کشور و محاصره‌ها و توطئه‌های اقتصادی و حبس ذخائر ارزی و بکارگیری صدها رادیو و روزنامه و دهها هزار مقاله و گفتار تبلیغاتی، و در سالهای اخیر، شیخون همه‌جانبه‌ی

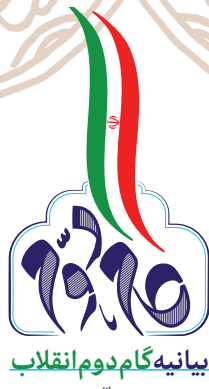


فرهنگی است، میتواند عمق دشمنی غارتگران بین‌المللی و صهیونیستها و قدرتهای استکباری و در راس همه، دولت آمریکا را با اسلام و انقلاب اسلامی و ملت انقلابی ایران نشان دهد.

تنها یکی از این اقدامهای خصمانه، تشویق و تحریک و سپس کمک همه‌جانبه به رژیم عراق برای راه‌اندازی جنگی ویرانگر با ملت ایران بود که هشت سال به طول انجامید و علاوه بر خسارتهای سنگین انسانی و مادی و ویرانگری صدها شهر و روستا و بلعیدن امکانات گرانبهای کشور، ملت و دولت ایران را در فرصت مغتنمی که باید صرف سازندگی ویرانیها و اصلاح مفاسد دوران طاغوت میشد، به خود مشغول ساخت و هشت سال از عمر انقلاب بزرگ ما را به جنگی بزرگ و دفاع از مرزها و سرزمینهای میهن عزیز مصروف ساخت.

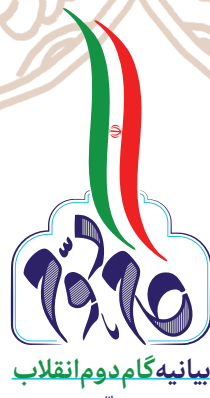
این جریان شیطانی و رذیلانه در طول دو دهه به طور مستمر ادامه داشته و به اقتضای شرایط گوناگون، رنگ و نشانهای مختلف یافته است، ولی خصوصیت همیشگی آن، سردمداری آمریکا و صهیونیزم، هدف همیشگی آن بازگرداندن ایران به وابستگی دوران رژیم پهلوی، و اصلیت‌ترین آماج همیشگی آن سه عنصر: اسلام ناب محمدی، وحدت ملی و جایگاه رهبری بوده است.

آنان میخواستند با تهاجمات متوالی سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی و با نشانه گرفتن اصلیت‌ترین پایه‌های نظام اسلامی، انقلاب را از مهمترین وظایف بلندمدت خود یعنی سازندگی مادی و معنوی جامعه



و کشور باز دارند و دین و انقلاب و حکومت اسلامی را در اداره کشور ناتوان نشان دهند و به این ترتیب از الگو شدن جمهوری اسلامی در دنیای اسلام جلوگیری کنند.

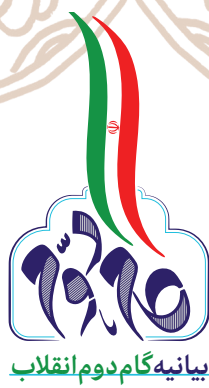
اما انقلاب بزرگ ما در میان همه‌ی این خصومتها، راه دشوار خود را با اقتدار و صلابت طی کرد و ملت ایران با الهام از هدایت‌های همیشه روشنفکر امام راحل با ایمان و اراده و هوشیاری خود، گردنه‌های دشوار را پشت سر گذاشت و به موفقیت‌های درخشان دست یافت. نه در اولین سال انقلاب که عناصر وابسته به رژیم گذشته با کمک سفارت آمریکا سعی در ایجاد آشوب و بلوا در نقاط مختلف میکردند و قلمها و زبانهای مزدور و گنهکار، انقلاب و ارکان اساسی آن را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار میدادند، و نه در سال ۶۰ که دست گنهکار گروهک منافقین و همدستانشان آتش فتنه‌یی بزرگ بر افروختند و ترور و ناامنی را حتی به خانه‌های مردم عادی کشاندند، و نه در دورانی که تهران و دهها شهر کشور هدف بمباران جنگنده‌های اهدایی شرق و غرب به رژیم عراق قرار داشتند، نه در دوران محاصره‌ی اقتصادی در عین گرفتاری کشور به هزینه‌های جنگ، و نه در سالهای آخر دهه شصت که درآمدهای کشور به یک سوم رسید، نه در آن هنگام که امام عظیم‌الشأن ما از میان ملت خود رخت بربست و مردم، پدر و استاد و مرشد بزرگ و حکیم خود را از دست دادند، و نه در



سالهای بعد که امواج خشم دیوانه وار آمریکا و صهیونیسم، به خاطر ادامهی راه امام بصورت تهدید نظامی و تحمیل مشکلات اقتصادی و تبلیغ رسانه‌ای و تلاش وسیع سیاسی، به سوی نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران روانه بود.. و نه تا امروز، هرگز انقلاب از پیمودن راه خود به سمت بنای کشوری آباد و آزاد و مستقل و برخوردار از عزت و نشاط و پیشرفت مادی و معنوی در زیر لوای اسلام و با تکیه بر معارف و احکام قرآن، باز نایستاده و سستی به خود راه نداده است.

در سازندگی مادی کشور آنچه در این بیست سال اتفاق افتاده، در همه‌ی دوران حکومت جباران پهلوی و پیش از آن بیسابقه است و حجم خدماتی که در این مدت به دست فرزندان کشور و پروردگان انقلاب تقدیم ایران عزیز شده است فهرستی بلند و افتخارآمیز دارد، و البته در راس همه‌ی آنها و مهمترین خدمت انقلاب در زمینه‌ی بنای علمی و عمرانی کشور، روح خودباوری و اعتماد به نفسی است که سرمایه‌ی از دست رفته‌ی ملت ایران در طول قرنهای اخیر بود و نابود کردن آن، گناه بزرگ پادشاهان بیکفایت و دست نشانده غرب بوده است.

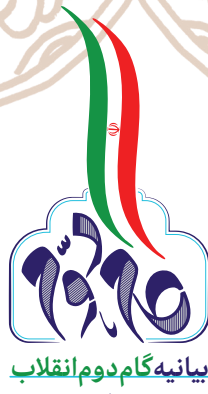
امروز ایرانی احساس میکند که خود قادر به اداره‌ی کشور، قادر بر سازندگی، قادر بر عبور از موانع و قادر بر ابتکار و نوآوری است، و این همان سرمایه‌ی لایزالی است که هر ملتی را در رسیدن به هدفهای



خود کامیاب میسازد، و همین است که در بیست سال گذشته آن همه افتخارات را در زمینه‌های علمی و صنعتی و نظامی و سیاسی نصیب ملت ایران کرده است.

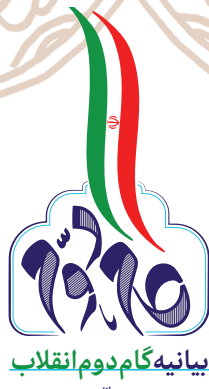
در سازندگی معنوی محصول تلاش بیست‌ساله‌ی انقلاب، رشد دین و معنویت، رشد استقلال و عزت ملی و رشد آزادی و روشن‌بینی سیاسی قشرهای مختلف، و هر یک در جای خود مایه‌ی مباحثات و سربلندی ملت ایران و موجب تحسین و ستایش ملتهای دیگر و برجستگان منصف است. مقایسه‌ی دستاوردهای ملت ایران در این سه مقوله با دوران حکومت سلطنت بسی آگاه‌کننده است، دورانی که معنویت و دین در انزوای کامل، و فساد و بیندوباری در همه جا رایج بود، بیان و قلم صاحبان اندیشه و علم، ممنوع و اختناق سیاسی تیره‌کننده‌ی فضای کشور بود، ملت ایران مقهور سیاستهای بیگانگان و بکلی از صحنه‌ی مسائل جهان و منطقه و حتی مسائل کشور خود محروم بود، ایران محل اجرای اراده‌ی آمریکا و انگلیس و صهیونیسم و سرمایه‌داران بیگانه، و ایرانی اسیر سیاستهای آنان و شاه وابسته و دست‌نشانده بود.

امروز به برکت انقلاب و با وجود صدها دسیسه‌ی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی از سوی دشمنان، ملت ایران زنده و با نشاط، مسؤولان و دولتمردان کوشا و دلسوز، استعدادهای جوانان در جوشش و بالندگی، طرحهای سازندگی مادی و معنوی در حال پیشرفت به دست ایرانی،



عزت و استقلال کشور در دنیا همچون نمونه‌یی معروف و مثال زدنی، پیوند میان ملت و مسؤولان در دنیا کم‌نظیر، شعارها و هدفهای ملت و دولت یکسان و همه با سمت و سوی ایرانی بزرگ و آباد و متحد و الگو برای کشورهای اسلامی، و آفاق آینده، روشن و تابناک است.

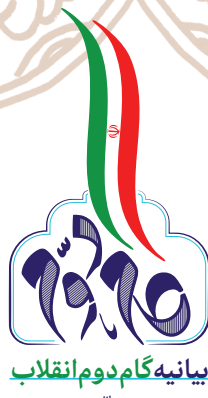
اکنون ملت عزیز بویژه جوانان که امیدهای آینده‌ی کشورند باید با تکیه بر گذشته و حال، آینده را بسازند، نخستین قدم، شناخت نعمت بزرگ الهی انقلاب و اسلام و شکرانه‌ی آن به درگاه خداوند منان و درخواست توفیق برای تداوم بخشیدن به این راه روشن و سعادتبخش است، دشمنی دشمنان و هیاهوی آنان نباید اراده‌ها را سست و دلها را مرعوب کند. ملت ایران نشان داده که میتواند بر دشمنی مانند ابر قدرتها در عرصه‌های مختلف پیروز شود و با استقامت و ایمان و مجاهدت، دشمن را از سر راه دور کند. خطای بزرگی است اگر کسی گمان کند که با نرمش و عقب نشینی میتوان دشمن را از پیشروی بازداشت. دشمن یعنی همان استکبار جهانی و به طور ویژه آمریکا و صهیونیسم، به چیزی کمتر از بازگرداندن وضع پیش از انقلاب یعنی سلطه‌ی کامل سیاسی و اقتصادی و قبضه کردن ایران و بر سر کار آوردن دست‌نشانده‌یی همچون محمدرضا پهلوی راضی نخواهد شد. ملت ایران باید با استقامت و قاطعیت خود آنها را برای همیشه مأیوس کند و خواهد کرد. امروز میلیونها دست و فکر و استعداد ایرانی در کار نوسازی و آبادسازی کشور خویش و



استفاده از منابع حیاتی آن برای اعتلای مادی و معنوی ایرانند. همت آنان نباید اجازه دهد و اجازه نخواهد داد که بیگانگان مانند دوران پهلوی و قاجار، غاصبانه این منابع را در اختیار بگیرند و صاحبان آن را در فقر و جهل و بیخبری و ذلت رها کنند. انقلاب اسلامی، رعب و هیبت قدرتهای دخالتهای را در دلها شکسته است، همچنانکه پردهای ریا و تظاهر به دوستی را از چهره‌ی خشن و کینه‌آلود آنان برداشته است.

تبلیغات خصمانه دشمنان امروز پس از بیست سال به حرفه‌ای تکراری و مشمئزکننده تبدیل شده است. کسانی که از سرکوب خونین قیام پانزده خرداد و قتل عام هفده شهریور با وقاحت تمام دفاع کردند، امروز دم از حقوق بشر میزنند. کسانی که پنجاه و چند سال دیکتاتوری سیاه پهلویها را پشتیبانی کردند، امروز تهمت دیکتاتوری به جمهوری اسلامی میزنند، کسانی که با ویران کردن و غارت منابع کشور و تحمیل صنعت معیوب و ناقص و وابسته، دهها سال ایران را از کاروان جهانی عقب راندند، امروز شکوفاییها و معجزه‌های سازندگی انقلاب را ندیده میگیرند، کسانی که هنوز در آرزوی رجعت ایران به دوران سیاه و نکبت‌بار پادشاهیاند، نظام نوین و تازه نفس و جوان انقلابی را مرتجع مینمایند!

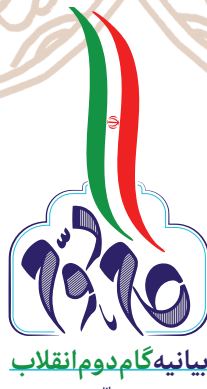
ملت هوشیار ایران و تربیت یافتگان محیط بالنده‌ی اسلامی فریب این ترفندهای استکباری و سلطه‌طلبانه را نخواهند خورد.



امروز مانند همیشه دشمن، فعال اما آینده روشن است. نسل تازه نفس آماده‌ی مبارزه با دشمنان شناخته‌شده‌ی کشور است. جوان امروز با مرور بر تاریخ کوتاه اما پرماجرای دوران بیست‌ساله، آمریکا و صهیونیسم را می‌شناسد و فریب ترفندها و اخمها و لبخندهای آنان را نمی‌خورد، کشور متعلق به ملت است و ملت با همه‌ی وجود از آن و از استقلال و عزت خود دفاع خواهد کرد. عناصر خود باخته و مرعوب یا تن داده به لذت و راحت و عشرت نخواهند توانست با قلمهای مسموم و گفتارهای دیکته شده و از دشمن فراگرفته‌ی خود، راه ملت را به سمت دلخواه سلطه‌طلبان و غارتگران بکشانند و فقط آبروی خود را می‌برند.

اکنون در پایان سخن چند توصیه را متواضعانه به ملت عظیم‌الشأن ایران و مسؤولان و زیدگان عرض می‌کنم:

۱- به دولتمردان و مسؤولان کشور در قوای سه گانه و نیروهای مسلح عرض می‌کنم قدر خدمتگزاری به این ملت بزرگ و این کشور مبارک را بدانید. خدمت صادقانه‌ی شما خدمت به اسلام و بشریت است. این فرصت کم‌نظیری است که صالحان و صدیقان در آرزوی آن بوده‌اند. با همه‌ی توان از این فرصت برای کسب رضای الهی و تقرب به خداوند بهره گیرید و با اخلاص و پارسایی و مجاهدت، در راه رفع مشکلات کشور و ملت، و ساختن ایرانی آباد و پیشرفته، و رفع کامل بیعدالتی و تبعیض، و قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی، و

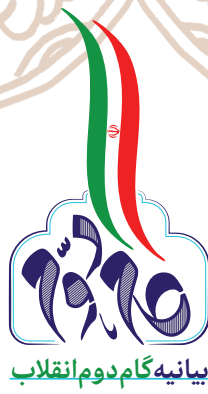


بریدن طمع غارتگران بیگانه و سوء استفاده کنندگان داخلی، گام‌های بلندی را با توکل به خداوند بردارید.

مبادا وسوسه‌ی قدرت‌طلبی یا جمع زخارف مادی شما را از کار بزرگی که بر عهده دارید باز دارد. لحظه‌ی تاریخیی که ما در آن قرار داریم بسی مهم‌تر و حساستر از آن است که از ما خدمتگزاران کسی حق داشته باشد آن را با سرگرم شدن به جمع ثروت برای خود یا فرزندان و کسان خود، ضایع کند و لعنت خدا و خلق را متوجه خود سازد.

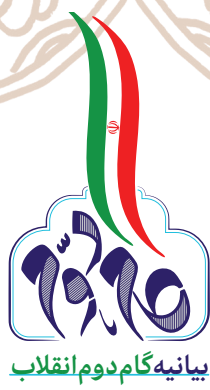
۲- به علماء بزرگوار دینی و آگاهان و روشنفکران و فرزنانگان و دانشمندان فتون مختلف عرض میکنم: نسل جوان و مستعد و فضای آماده و آزاد کشور، بزرگترین فرصت تعلیم و تربیت را در اختیار شما گذاشته است، از این فرصت دیریاب که به برکتانقلاب اسلامی و در سایه‌ی مجاهدتهای بسیار به دست آمده، حداکثر استفاده را ببرید. دلها را به نور معارف اسلامی روشن، فکرها را با منطق استوار، مسلح و آفاق آینده را برای ملت ایران مجسم کنید. در دلها نور امید بتابانید و سایه‌ی شوم یأس و سرخوردگی را که دشمن میخواهد با تبلیغات خود بر دلها بیفکند برطرف کنید. ذهنها را از تحجر و ایستایی و نیز از بیندوباری فکری و یاوه‌گرایی بر حذر بدارید، و در این برهه‌ی حساس تاریخ ایران وظیفه‌ی بزرگ خود را که دارای آثاری ماندگار و تعیین‌کننده است، همچون تکلیفی الهی و مقدس بدانید.

۳- به جوانان عزیز عرض میکنم فرصت جوانی را برای خودسازی



فکری و روحی و جسمی مغتنم بشمارید. کشور خود را بشناسید و جایگاه رفیعی را که ایران و ایرانی به برکت انقلاب اسلامی در جهان و در منطقه و در میان امت بزرگ اسلامی به دست آورده قدر بدانید، خود را به علم و معرفت و پارسایی مجهز کنید و همچون جوانان دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس، خود را الگو و اسوهی جوانان کشورهای دیگر سازید. تداوم راه پرافتخار انقلاب اسلامی که کشور را به قلهی رفیع هدفهای بزرگ میرساند، به نیرو و نشاط جوانانهی شما نیازمند است و امروز بار این وظیفهی بزرگ بر دوش شما است. کسب دانشها و مهارتهای گوناگون، کسب قدرت تحلیل سیاسی، حفظ صفا و صداقت جوانی، رعایت دینداری و پاکدامنی، وظائف بزرگی است که در همهی محیطهای جوان: دانشگاهها و حوزههای علمیه، مدارس و کارگاهها و شهرها و روستاها باید در یاد جوانان باشد. در این راه از خداوند هدایت و کمک بخواهید و باب توجه و تضرع و نماز و نیاز را میان خود و خدا باز نگذارید.

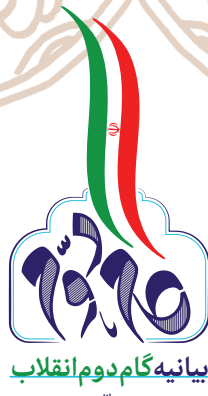
۴ - به عموم ملت عزیز و عظیم عرض میکنم: همهی موفقیتهای دوران مبارزات و پس از پیروزی مرهون هوشیاری و صبرانقلابی و حضور دائمی شما در صحنه است، فداکاری و ایمان و مجاهدت شما است که رهبر کبیر انقلاب را به کاری چنان بزرگ موفق ساخت و صبر و همدلی و همکاری شما است که مسؤولان کشور را به ارائهی خدمات شایسته توانمند کرد. امروز نیز بحمدالله دولتی خدمتگزار،



رئیس جمهوری شایسته، نمایندگان دلسوز، قوه قضاییه‌ی مستقل، نیروهای مسلحی کارآمد و مسؤولانی انقلابی به خدمت مشغول‌اند. پیوند میان خود و مسؤولان را مستحکم کنید و خدمتگزاران خود را که از میان شما و برای شماست یاری دهید. وحدت کلمه و حضور خود را در صحنه حفظ کنید و یاد امام و انقلاب را زنده نگه دارید و بویژه راهپیمایی بیست و دوم بهمن امسال را که نمایش عظیم ملت ما در برابر غوغاگران و فتنه‌انگیزان داخلی و خارجی و همزمان با بزرگداشت شهادت رئیس مذهب جعفری و خورشید تابان معارف اسلامی حضرت جعفر بن محمد الصادق (ع) است، با عظمت و متانت کامل برگزار نمایید.

۵ - به جناح‌ها و دستجات و گروه‌های سیاسی داخلی نیز عرض میکنم: همت خود را بر رشد فکری و سیاسی مردم بگمارید و کسب قدرت را هدف ندانید. تلاش سیاسی سالم و به دور از درگیری و تهمت و شایعه‌سازی اگر با اخلاص و قصد نیک باشد عبادت است و در دل مردم نیز مؤثر و برای آنان جذاب است، ولی اگر اغراض گروهی بر آن سایه افکند و روش‌های قبیله‌یی بر آن حاکم گردد، خدا و خلق را خشنود نخواهد کرد. کار جناحی و حزبی نباید وحدت ملی را خدشه‌دار کند و کشمکش‌های گروهی را به میان مردم بکشانند.

در پایان؛ سر بر درگاه لطف و مغفرت خداوند متعال نهاده هدایت و توفیق و کمک ذات اقدس الهی را برای همگان مسألت میکنم و از



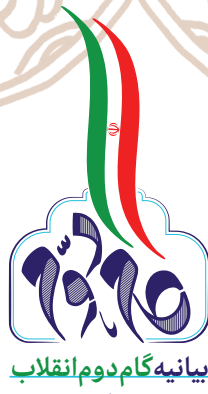
حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداه دعا برای نصرت اسلام و مسلمین
و پیروزی و کامیابی ملت ایران در همه‌ی میدانها را تمنا میکنم.

والسلام علیکم و رحمه الله

سید علی خامنه‌ای

۷۷/۱۱/۲۱

پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی

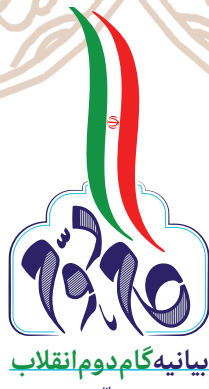


بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصَّلَاة و السَّلَام على سيِّدنا محمّد و آله
الطّاهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم
الدِّين

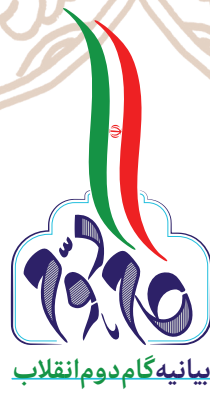
از میان همه‌ی ملّتهای زیر ستم، کمتر ملّتی به انقلاب همّت
میگمارد؛ و در میان ملّتهایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند،
کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز
تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب
پُرشکوه ملّت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید
است، تنها انقلابی است که یک چلّهی پُرافتخار را بدون خیانت
به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی
که غیرقابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت
شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و
جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این
ملّت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد
فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوّم میشود.



انقلاب اسلامی، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پر افتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاد

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیّت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک

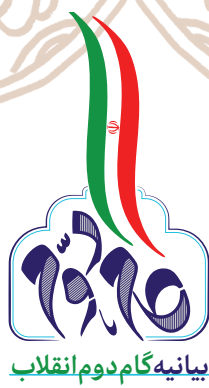


جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از ارزشهای دینی بوده نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.

جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است

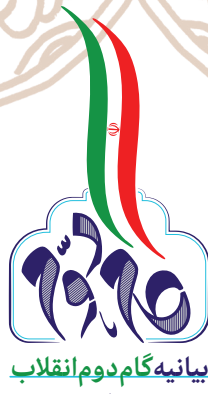


که چرا بماند و چگونه بماند. بی شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدانهای آرمانخواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

انقلاب اسلامی دچار رکود و خموشی نمیشود و از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراطها و چپروی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیامها و جنبشها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اوّل را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

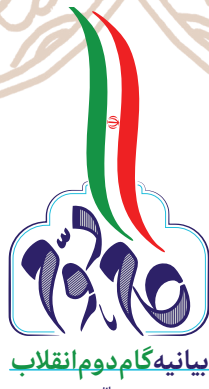
اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی



ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اول درباره‌ی گذشته است.

عزیزان! از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنفا‌ده است نزدیک کنید

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنفا‌ده) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهنمایان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده



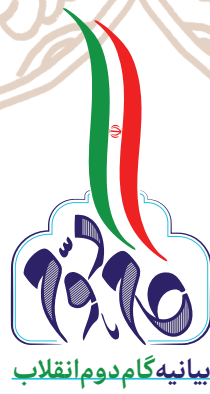
نظامش نمیتوان شنید.

حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمیتوان شنید.

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه — و نه به زور شمشیر خود — بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیامهای مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

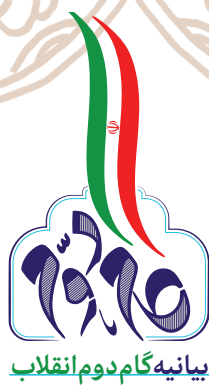
پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام



و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجّه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادیخواه جهان و برخی دولتهای مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدّت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشّان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد.

به رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روز به روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله ملت ایران در مقایسه با مدتهای



مشابه در انقلابهای فرانسه، شوروی و هند

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.

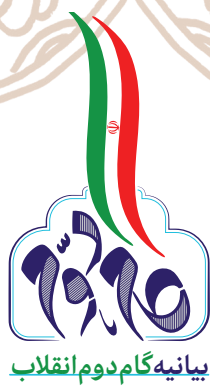
ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روز به روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل و نقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران



واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.

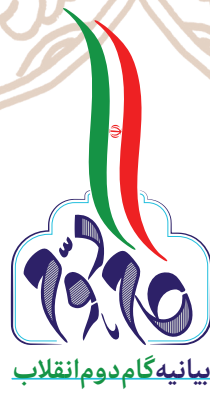
ایران پیش از انقلاب در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.



رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالتهای و دخالتهای قدرتهای قلدر در امور ملتها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحتهای زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

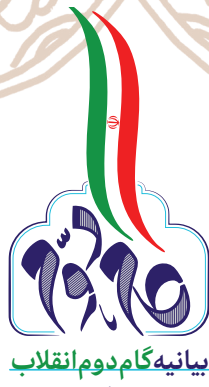
خامساً: کفّی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار



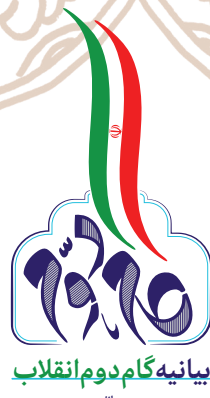
موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سدّ و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم‌امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت.

جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است.

سادساً: عیار معنویّت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های



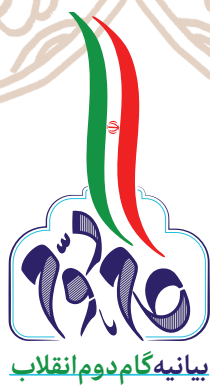
مادّی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهادسازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روز به روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتّفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات



پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

سابعاً: نماد پرابهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روز به روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

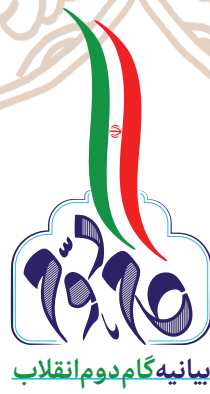
جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است، انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید.



اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نداشت.

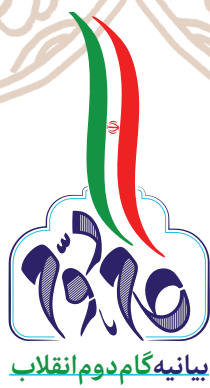
محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملّتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزّت، متدیّن، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلّول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود — که متأسّفانه بود و خسارت‌بار هم بود — بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نداشت.

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالشهای مستکبران



روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان

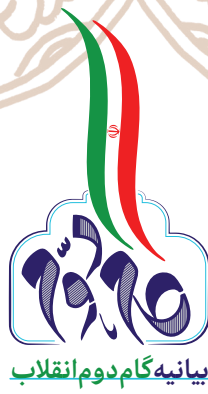


زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

جوانان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند. از تجربه‌ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند، و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند

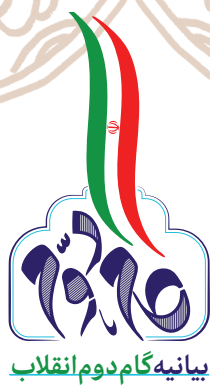
نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همتهای بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان



زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.

به‌جز اینها، فرصتهای مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخشهایی از ظرفیتهای کشور است؛

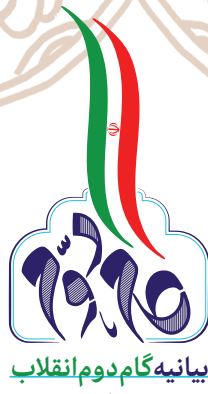


بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوّم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملّی ارتقاء یابد.

ایران از نظر ظرفیتهای استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است. بیشک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید

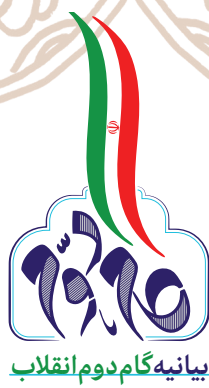
اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی میکنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویّت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزّت ملّی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه میگوییم یک امید صادق و متّکی به واقعیتهای عینی است. این‌جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال — و اکنون



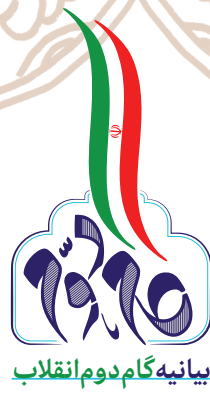
مانند همیشه — سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتهای پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش — که به برخی از آنها اشاره شد — در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست و دلهای امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است



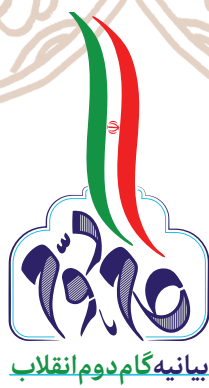
و اما توصیه‌ها:

۱) علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود — یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان — به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدّت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دوپست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حسّاس و نو پدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتّفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.



اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. این‌جانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدّی در این باره تذکّر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیّت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدّت بیمناک است ناکام سازید.

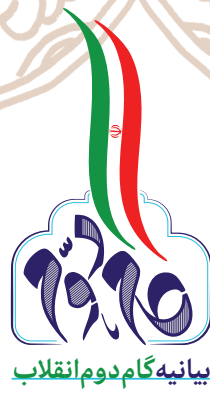
به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدّت بیمناک است ناکام سازید



۲) معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتهای و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

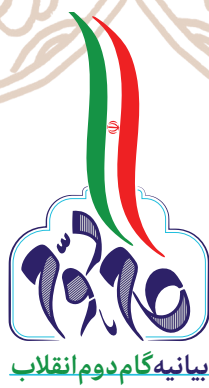
شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

حکومتها باید اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.



ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البتّه به معنی رفع مسئولیّت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه مدّت و میان مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاءالله.

۳) اقتصاد: اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویّات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، امّا وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیّت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به اندازه و بی اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

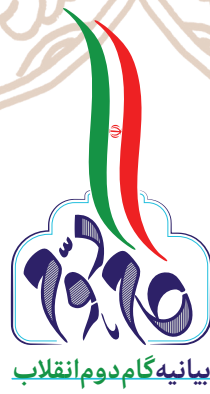


عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی^۵ تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتهای وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاههای حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بی‌کاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه‌حل این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیّه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی

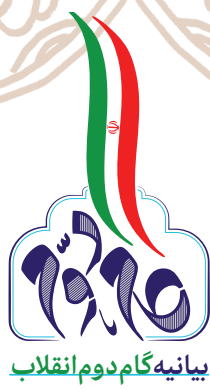


کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

اینکه کسی گمان کند مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است، خطائی نابخشودنی است

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء میشود.

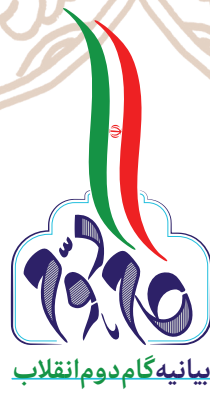
(۴) عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد



اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیتهای مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است

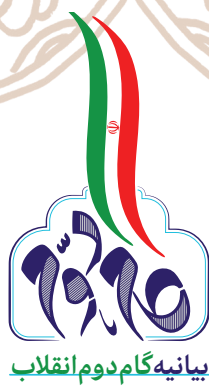
البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیرقابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت



اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی با ایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند

عدالت در صدر هدف‌های اولیّه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواح‌نافداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البتّه در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدّی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

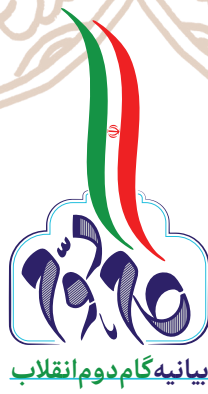


با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دلهای مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیتها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام‌اداره‌ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان — که بحمدالله کم نیستند — سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

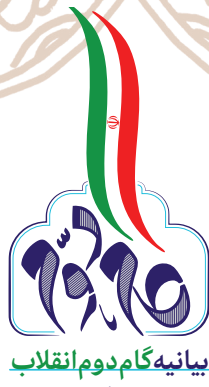
دلهای مسئولان بطور دائم باید برای رفع محرومیتها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد.

تبعیض در توزیع منابع عمومی، و میدان دادن به ویژه‌خواری، و مدارا با فریبگران اقتصادی بشدت ممنوع است.

(۵) استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن



برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیّهی الهی به انسانهایند و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه — مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی — موظّف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود. (۶) عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزّت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور



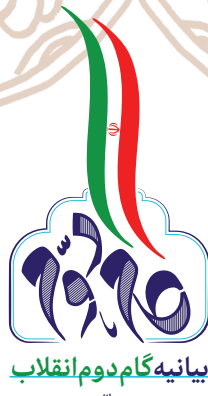
قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار، تعدادی از دولتهای اروپائی را نیز خدعه‌گر و غیرقابل اعتماد میداند.

اینها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیرقابل اعتماد میداند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقّت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزّت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

در مورد امریکا حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت

(۷) سبک زندگی: سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی



دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارانگیز و دشمن‌شکن ملت عزیز در بیست و دوم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر میکنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می‌سایم. سلام بر حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه)؛ سلام بر ارواح طیّبه‌ی شهیدان والا مقام و روح مطهّر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی ملت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیدعلی خامنه‌ای

۲۲ / بهمن‌ماه / ۱۳۹۷